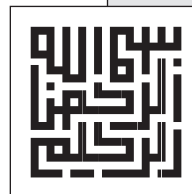


خدمتگذاری اسلام ما را موظف کرده که خدمت کنیم.
امام خمینی(ره)



مساله فساد ستیزی، حمایت از طبقات ضعیف، نگاه به مناطق دور دست و محروم، توجه به مشکلات گوناگون مردم اینها اصولی است که اگر رعایت بشود و بر این اصول پای فشرده شود، هم خدا را راضی می کند و هم مردم را. همه باید لباس خدمت به تن کنیم و در کنار یکدیگر به مردم خدمت کنیم.
امام خامنه ای



شماره ششم / مرداد ۱۳۸۹

نشریه تخصصی کانون جهاد خدمت رسانی
و سازندگی سازمان بسیج دانشجویی

صاحب امتیاز:

معاونت سازندگی و کار آمد سازی سازمان بسیج دانشجویی

مدیر مسئول: مجتبی باستان

سر دبیر: محمد علی اخوان

هیئت تحریریه: مهیار خانی مقدم، نوید خاکبازان،

سید محسن صالحیان، محمد حسین مهدویان، وحیده گرجی

مدیر هنری: سید مهدی میر حیدری

طراح و گرافیست: مصطفی برجی

با تشکر از شورای نشریه: مرتضی فاضلی، مسعود ذبحی، امیر اخوان، فاطمه نوری، خدیجه عزیزخانی، مرضیه قنبری، زهرا امیری، زهرا مویدی، مرضیه محمدی، الهام دهدشتی و کلیه محققین مرکز پژوهش اردوهای جهادی

نشانی تهران: تقاطع خیابان مفتح و طالقانی

مجتمع فرهنگی دانشجویی ۱۳ آبان - شماره تماس: ۰۹۱۹۴۰۱۹۸۰۳

نشانی قم: خیابان ۱۹ دی کوی ۶۷ پلاک ۱- مرکز پژوهش اردوهای جهادی

شماره تماس: ۰۹۱۲۷۴۸۰۵۳۷

۲	کلام نخست
۴	پیامک های زندگی
۵	پایان خط فراق
۶	فقر یا بی عدالتی؟!
۱۰	مدیریت جهادی
۱۱	آمدنم بهر چه بود؟
۱۴	ایستگاه گفتمان
۱۶	این جا ... کجاست؟!
۱۸	مصاحبه با آقای مجتبی باستان
۲۰	شعر
۲۲	... که من با بچه ها رفتم جهادی
۲۴	گزارش رسم هجرت ابعلی
۲۶	شناسایی
۲۸	فراز و فرود تاریخ
۳۰	مهارت احساس خوشبختی در قله محرومیت
۳۳	فانوس راه
۳۴	طرح نامه جذاب ترین کلاس دنیا
۳۸	می خواهیم از تو بگویم
۳۹	احکام جهادی
۴۰	جدول



ریش های بلندی
دارند و می گویند:
برای ایجاد عدالت و رفع
محرومیت آمده ایم!!

بر سرشان کلاه‌های عجیبی است و ریش‌های بلندی دارند، می‌گویند: برای ایجاد عدالت و رفع محرومیت آمده‌ایم، با تواضع و بردباری قدم گذاشته‌اند در منطقه‌ای محروم در گوشه‌ای از شاخ آفریقا، روی هم آجرها را می‌چینند تا بلکه بنایی شود برای عبادت و بندگی، پرستش چه کسی و چگونه، سوالی است که تا روز آخر پاسخش را کسی نمی‌داند!

این لطف و محبت بزرگ‌ترین هدیه برای اهالی منطقه است و چنان شیفته این جوانان شده‌اند که گویا تک تکشان خدای مجسمند. روز آخرین اردو ست و میوه دو هفته تلاش آماده چیدن، همه برای وداع آمده‌اند و حلقه‌ای بزرگ کنار بنای نوساز عبادی بر پا شده است تا سپاسگذار این تلاش و خدمت باشند، یکی از جوانان کلاه بر سر در بین اهالی ستاره‌ای زیبا و درخشان را به عنوان هدیه ای معنوی تقسیم می‌کند و در سووی دیگر جوانی سخنش را با نام خدای موسی آغاز می‌کند و این چنین می‌گوید: "این عبادت گاه بهترین مکان برای عبادت خدای موسی آخرین پیامبر الهی است بزودی موعود جهانیان ماشیح خواهد آمد تا آن زمان این ستاره داوود را مقدس بشمارید."

اردوی جهادی تمام شده است و به سادگی نام ساختمان عبادی کنیسه و مردم منطقه همگی صهیونیسم‌های معتقدی شده‌اند. آری...خیال خام و نگاه کودکانه است که کوشش جوانان صهیونیسم را در آبادانی و عمران مناطق محروم شاخ آفریقا تلاشی خیرخواهانه و با اهداف توسعه و عدالت بدانیم، ویرانگران عدالت و دشمنان طریق انبیا از روش‌های کار آمد پیامبران رحمت و دوستی استفاده می‌کنند و اندیشه‌های ضد بشری خود را ترویج می‌نمایند.

پیامبران در مسیر سبز هدایت مردم به سوی آسمان معنویت در هر دوران از ابزارهای متناسب با زمان خود بهره گرفته و با رفع موانع رستگاری راه کمال انسانی را هموار نموده‌اند، اردوهای جهادی حضرت عیسی 7 و حواریونش ظاهری پزشکی و درمانی دارد

ولی در پس این صورت، اهداف بلند و عمیقی نهفته است، حضرت عیسی 7 هر کجا که قدم می‌گذارد و اردویی بر پا می‌کند پس از اندک زمانی همه مردمانش به دین و آیین او خواهند گروید و دشمن طریق مستکبران خواهند شد. از این رو شاگردان انبیا نیز هر کدام خود را مبلغی جهادگر می‌دانند و با استفاده از همان روش‌ها خود را مصادیق فرمایش قرآن کریم خواهند نمود که می‌فرماید:

(لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّا اللَّهُ الْحُسَيْنِي وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا)؛

هرگز افراد باایمانی که بدون عذر، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [ترک‌کنندگان جهاد] برتری مهمی، بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان)، وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

الگوی همه مسلمان شیعه و سنی پیامبر اعظم و اهلیت پاک اوست،^۲ که همگی سرفصلی از جهاد و مبارزه برای پیشبرد اهداف شریعتند؛



استقامت پیامبر 6، صبر علی 7، مصلحت‌بینی حسن 7، قیام حسین 7 و روش‌های دیگر اهلیت 7 هر کدام متناسب با زمان‌شان تغییر می‌کند و جهاد آنان، رنگی دیگر به خود می‌گیرد. علامه شهید مطهری درباره جهاد اهل بیت 7 می‌فرماید:

اتمه اطهار در هر زمانی مصلحت اسلام و مسلمین را در نظر می‌گرفتند و چون دوره‌ها و زمانه‌ها و مقتضیات زمان و مکان تغییر کرد، خواه و ناخواه همان طور رفتار می‌کردند که مصالح اسلامی اقتضا می‌کرد و در هر زمان جبهه‌ای مخصوص و شکلی نو از جهاد به وجود می‌آمد و آن‌ها با بصیرت کامل آن جبهه را تشخیص می‌دادند.^۴

هر دوران نوع جهاد و جبهه آن، تغییر می‌کند و آن‌چه مهم است شناخت جبهه هر عصر و جهاد در جبهه حق است. حضرت امام خمینی؛ در فرمایشات خود، هدف انقلاب و انبیا را انسان‌سازی^۵ می‌دانند و با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، یکی از موانع رسیدن به هدف انسان‌سازی را به استناد فرمایش پیامبر رحمت، فقر و محرومیت تشخیص می‌دهند.

پیامبر اعظم 6 می‌فرمایند: «کاد الفقر ان یکون کفرا، فقر ممکن است سر از کفر درآورد»^۶ در زمانی که مردم کشور در فقر برآمده از حکومت استبداد شاهنشاهی‌اند، جهاد انسان‌های وارسته، در بر طرف کردن این مانع هدایت است، که مشخصا در آن دوران محرومیت می‌باشد. در زمان دیگری که آمار فقر کاهش یافته و مفاسد اجتماعی بالاترین آمار را به خود اختصاص می‌دهد، جهادگر کارآمد، مبارزه با فساد و پیام‌رسانی فرهنگی را وظیفه خود می‌داند، از این رو، آن‌چه باعث تازگی حرکت جهادی می‌شود، کشف موانع هدایت بشریت در هر دوران و برطرف نمودن آنست.

مقام معظم رهبری عرصه‌ی جهاد امروز را عرصه‌ی فرهنگی می‌داند و می‌فرماید: کسانی که در این میدان جهاد فرهنگی حضور دارند باید حق جهاد را به جا آورند و آنگونه که شایسته است به ترویج ارزش‌های دینی و واقعیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بپردازد، البته مسائل فرهنگی با دستور و حکم پیش نمی‌رود بلکه لازمه‌ی موفقیت در این عرصه انگیزه، ایمان و حضور فعال انسان‌های معتقد به ارزش‌های دینی و انقلاب اسلامی است.^۷

آری جهادگران امروز با اهدافی معنوی و با الگوی‌پذیری از پیامبران الهی می‌کوشند تا با شکوفایی مناطق محروم در تمامی عرصه‌ها، قدمی بلند در جهاد فرهنگی و استمرار راه انبیا بردارند و این جریده نیز گامی کوچک در همین مسیر نورانیست، تا بلکه مورد توجه مولا یمان حضرت مهدی 4 قرار گیرد.

۱. سوره نساء، آیه ۹۵.
۲. قال رسول الله 6 إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي؛ پیامبر اکرم 6 فرمودند: به درستی که من دو گوهر گرانبهارا در میان شما باقی می‌گذارم: قرآن و عترتم (اهل‌بیت)» (القشیری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم بشرح النوری، ج ۱۵، ص ۱۷۹ و احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۱۱۴).
۳. فاستقم كما امرت ومن تاب معك؛ پس همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند) (سوره هود، آیه ۱۱۳).
۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۴۳.
۵. اسلام یک مکتبی است که برای انسان‌سازی آمده...» (موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۴، ص ۴). «اسلام انسان درست می‌کند، همان که اجانب، ابرقدرتها از او می‌ترسند؛ از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است. از آدم یک آدم یک ملت را درست می‌کند... اینجاها مرکزی باشد که آدم درست کنند! عر کلینی، ابوجعفر، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۷، ج ۶، ص ۲۷۹»
۷. در دیدار جمعی از مسئولین فرهنگی ۸۹/۲/۲۰-۱۹۹۷-۱۸۹-۱۱۳ www.leader.ir



پیامک‌های زندگی سیده زیتون هاشمی

◀ انگار پای ثانیه‌ها سنگ می‌شود وقتی دلی برای دلی تنگ می‌شود.

◀ رفتن همیشه رسیدن نیست ولی برای رسیدن باید رفت. در راه آسمان باز است، پرواز را بیاموز.

◀ و همیشه خدایی هست که داشتن‌اش جبران همه نداشته‌هاست.

◀ هر صبح که از خواب پا می‌شویم به سراغ پیام‌هایی می‌رویم که دوستان مان برایمان فرستادند، اما تا حالا چند بار شده که از خواب بلند شویم و قرآن را برداریم و ببینیم که پیام خدا برای ما چیه؟

◀ راه عشق ورزیدن به هر چیز، درک از دست دادن آن چیز است.

◀ پازل دل کسی رو به هم زدن هنر نیست. هر وقت تونستی با تکه‌های شکسته دل کسی پازل محبت جدیدی بسازی هنر کردی.

◀ هرگاه خدا تو را به لبه پرتگاهی کشاند به او اعتماد کن چون یا تو را از پشت می‌گیرد یا پرواز کردن را به تو می‌آموزد.

◀ نه در جای بمان، نه در حالت بمان. همیشه روحیه مهاجر داشته باش از جایی که هستی تا به جایی که می‌توانی باشی.

◀ هیچ‌وقت مغرور نشو. برگ‌ها وقتی می‌ریزند که فکر می‌کنند طلا شده‌اند.

◀ اگر در سکوت شب برای از دست دادن خورشید گریه کنید، ستاره‌ها را هم از دست خواهید داد.

◀ وقتی خدا بهت می‌گه «باشد» چیزی رو که می‌خوای بهت می‌ده. وقتی می‌گه «صبر کن» چیزی بهتری بهت می‌ده. وقتی می‌گه «نه» داره بهترین رو برای تو آماده می‌کنه.

◀ وقتی متولد می‌شوی درگوشه‌ت اذان می‌خوانند و وقتی می‌میری برات نماز می‌خوانند. به‌راستی زندگی چه قدر کوتاه است فاصله یک اذان تا یک نماز.

◀ کسانی که برای دانستن هزینه نمی‌کنند، برای ندانستن بیش‌تر هزینه می‌کنند.

◀ امام علی 7: نه مرگ آن قدر ترسناک است و نه زندگی آن قدر شیرین که آدمی پای بر شرافت خود بگذارد.

◀ همه دوست دارن به بهشت برن، اما کسی دوست نداره بمیره، بهشت رفتن جرأت مردن می‌خواد.

◀ کوله‌بارت را بردار، دست تنهایی خود را تو بگیر، و از آینه بپرس منزل روشن خورشید کجاست؟

◀ بهترین واژه همان لبخند است که ز لب‌های همه دور شده است.

◀ شوق دریا اگر هست، روان باید بود. ورنه در حسرت همراهی رودی، به زمین خواهی شد!

◀ خدایا! یاری‌ام کن اگر چیزی شکستم دل نباشد.

◀ به خاطر خاطره‌هایت، خاطرت در خاطرم خاطره‌انگیزترین خاطره‌هاست.

◀ گل‌های آفتابگردان در روزهای ابری بلاتکلیفند مثل من در روزهای بی‌تو.

◀ دوری، دوستی‌های کوچک را نابود ولی به دوستی‌های بزرگ عظمت می‌بخشد.

◀ همیشه ماندن دلیلی بر عاشق بودن نیست. خیلی‌ها می‌روند تا ثابت کنند عاشقند.

◀ همیشه در تاریکی ناامیدی، چشم‌هایی هستند که ما را می‌بینند.

◀ مگو با خار هم نازک‌تر از گل!

◀ در نگاه کسی که پرواز نمی‌فهمد هرچه بیش‌تر اوج‌گیری کوچک‌تر می‌شوی.

◀ یک نقطه بیش نیست فرق «رحیم» و «رجیم» از نقطه‌ای بترس که شیطان‌ات کند.

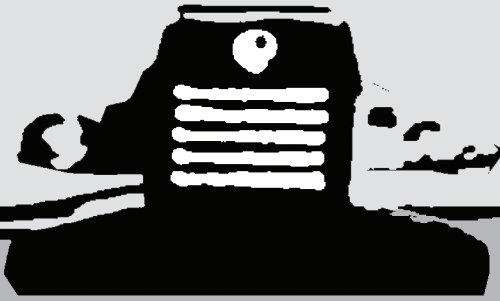
◀ مهر دل ما مدام تقدیم شما / عمری که شود به کام، تقدیم شما / پیدا نشد آن هدیه که در شأن شماست / یک باغ گل سلام تقدیم شما.

◀ دست‌هایی که کمک می‌کنند مقدس‌تر از لب‌هایی هستند که دعا می‌کنند.

◀ صفای آدمای پابره‌نه اینه که ریگی به کفششون نیست.



کسی که لبخند را از دیگران دریغ می‌دارد، با خدا نمی‌تواند طرح دوستی بریزد.



پایان خـــط فراق

مهیار خانی مقدم

جَهَادِهِ هُوَ اجْتِبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۗ پس اکنون که آمده‌ای، با تمام وجود و آن چنان که شایسته است، بیا و بدان که برای دین خداوند و سربازی مولایمان حضرت مهدی (عج) برگزیده شده‌ای تا بازوان ایشان در منطقه ای محروم باشی! تو آمده‌ای تا پیام‌رسان دین راستین گردی. قرآن پاداش جهاد تو را چه زیبا می‌داند آنجا که مجاهدان را توصیف می‌کند: به راه الهی هدایت می‌شوند: «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت/۶۹)

■ بر دیگران برتری دارند: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ» (نساء/۹۵)

■ خداوند همراه آنهاست: «... انْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ» (محمد/۳۵)

■ از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند: «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/۵۴)

■ تمام خوبی‌ها برای آنهاست: «... لَهُمُ الْخَيْرَاتُ» (توبه/۸۷)

■ برای آنها رزقی کریم وجود دارد: «... وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال/۷۴)

■ رستگاری: «أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه/۲۰)

■ برای آنها آموزش خداوند است: «لَهُمْ مَغْفِرَةٌ...» (انفال/۷۴)

■ نزد خداوند، درجه ای بسیار ارجمند دارند: «أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ...» (توبه/۲۰)

و در آخر، دستهایمان را خالصانه به سوی درگاه الهی بلند کرده و دعای مجاهدان راه الهی را به امید توجه خاصه خداوند کریم، زمزمه می‌نماییم:

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»

پروردگارا! گناهان مان را بیامرز و از زیاده روی ما در کارمان در گذر و گام‌های ما را ثابت بدار و ما را بر کافران پیروز فرما.

سلام دوست جهادی! شاید زمانی این نشریه به دستت برسد که خود را برای رفتن به اردوی جهادی آماده می‌کنی و یا حتی شاید هم در اردو باشی. مطمئناً بادلی سرشار از شور و شغف، قدم در این عرصه نهاده‌ای، چون می‌دانی که قطب‌نمای خود را در این مسیر، فقط رضای الهی قرار داده‌ای. با همان حس آسمانی، از خانواده جدا و رهسپار این راه سرنوشت‌ساز می‌شوی، چون خوب می‌دانی که چه بسیار از رفقای جهادگرت، در لابلای همان کوچه و پس‌کوچه‌های روستا، غبارها را از عینک دنیابینی خود، پاک نموده‌اند.

تو به خوبی می‌دانی که می‌خواهی مقدمات ظهور آقا و

مولایت، امان زمان و جان جهان را فراهم آوری. تو می‌خواهی که در ایام فراغت، ایام فراق را پایان

دهی. تو به خوبی می‌دانی که زمینه‌سازی ظهور، تنها با سخن دانی و سخنرانی نمی‌شود و باید با جهاد، صداقت خود را ثابت نمود.

(وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ).^۱

تو با کوله‌باری از ایمان می‌آیی تا راه را بیابی که (وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا) تو می‌خواهی جان خود را که از عشق الهی روشن ساخته‌ای، فانوس راه گمراهان قرار دهی و چه زیباست این زمزمه‌ها که بر لبانت می‌شکفت: (مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي...)^۲ (وَالَّذِينَ اهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَ اتَّاهَمُ تَقْوَاهُمْ)^۳ تو می‌خواهی تا امام متقین، حضرت امیرالمؤمنین^۷ را یاری نمایی و با یادآوردن آن حدیث دلنشین نبوی که هنگام عزیمت جهادی حضرت علی^۷ به منطقه محروم یمن فرمود: «علی جان! اگر یک نفر به دست تو هدایت شود، برای تو از آن چه خورشید بر آن می‌تابد، بهتر است»،^۵ روح با تبسم صلوات تا گنبد الخضراء مدینه پرواز می‌کند.

تو می‌روی تا بسازی و خراب نمایی! می‌دانی که چه می‌گویم؟ خودم از نگاهت خواندم که می‌خواستی در دل‌های کوچک ولی آسمانی کودکان روستا، به جای تمام آن خرابی‌ها و محرومیت‌ها، ایمان، امید و اقتدار بسازی اما برای خود، تمام مَنیت‌ها و به خود وابستگی‌هایت را همان‌جا و در مقابل چشمان آن فرشتگان کوچک، خراب نمایی.

تو این ندا را با عمق جان شنیده‌ای که: (وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ

تو می‌روی تا... خراب نمایی!!

۱. سوره حجرات، آیه ۱۵.
۲. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.
۳. سوره اعراف، آیه ۱۷۸.
۴. سوره محمد، آیه ۱۷.
۵. اصول کافی، ج ۵، ص ۲۹.
۶. سوره حج، آیه ۲۹.
۷. سوره آل عمران، آیه ۱۹.

گام

فقریا بی عدالتی؟!!

مہیار خانی مقدم



گام

نشریہ اردو جہادی
شمارہ ۶ / مرداد ۸۹

اگر در اردو جهادی پیام
خدارا خوب دریافت نکردید
به فرستنده دست نزنید،
گیرنده‌ها را تنظیم کنید.

نشان می دهد تا جائیکه طلاهای زبیر را با طبر بین وراثت تقسیم می کنند.

در نظام اقتصادی اسلام، برخلاف نظام سرمایه داری و مارکسیست، فقر از کمبود منابع طبیعی یا نهاد مالکیت خصوصی بر نمی خیزد و تنها ایجاد عدالت، فقر را ریشه کن خواهد کرد و این پدیده به طور کلی رخت برمی بندد؛ زیرا براساس نصوص دینی منابع اولیه مورد نیاز همه ی انسان ها در طبیعت وجود دارد؛ چنان که خداوند می فرماید:

"و اتیکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمت الله لاتحصوها"^۱

"هر چه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت خدا را شماره کنید نمی توانید آن را به شمارش آورید."

انسان ها از نظر صفات روحی، جسمی و فکری متفاوتند بنابراین مقاومت آن

ها در برابر مشکلات، توان تصمیم گیری،

شجاعت، هوشیاری و نیروی ابتکار آن ها با یکدیگر

فرق دارد؛ این اختلاف سبب می شود که حتی اگر امکانات

اولیه ی بهره برداری از طبیعت یکسان در اختیار همگان قرار

گیرد، دست آورد تلاش آن ها متفاوت باشد. دین اسلام، که

بر فطرت انسان استوار است، به رغم نفی هرگونه اختلاف

درآمد ناشی از تبعیض و بی عدالتی، این تفاوت ها را پذیرفته

است. متأسفانه گروهی چون معلولان امکان بهره جستن از

طبیعت ندارند یا رهاورد کوشش آن ها برای گذران زندگی

شان (در حد متوسط جامعه) کافی نیست؛ و گروهی، به سبب

حوادث طبیعی چون سیل و زلزله، دارایی یا سرپرست خانواده

خود را از دست می دهند. بنابراین، به رغم همه ی تلاش

های پیشگیرانه فقر در جامعه وجود دارد، اسلام برای مبارزه

با این واقعیت تلخ مالیات هایی چون خمس و زکات در نظر

گرفته و سیستم تأمین اجتماعی مقرر کرده است. برنامه های

فقر ستیز و نیز نصوصی که در نکوهش فقر آمده، نشان

می دهد که این پدیده در نظر اسلام مطلوب نیست. پیامبر

اکرم ^۶ می فرماید: نزدیک است فقر به کفر بینجامد^۲ آن

حضرت در جای دیگر فقر و کفر را در یک سطح قرار داده، از

هر دو به خداوند پناه برده است.^۳

کوخ نشین
کسی است که بخاطر
سست ارادگی محروم
مانده است!!؟

فقیر، محروم، تهیدست، ندار، پابرهنه و کوخ نشین برای چه کسانی به کار خواهد رفت برای کسانی که بخاطر سست ارادگی و تن پروری محروم مانده اند یا انسانهای پاکی که به علت وجود بی عدالتی مظلومانه دچار زندگانی سخت و پر رنجند، در نگاه اسلام ریشه های فقر چیست و چه آثاری خواهد داشت؟

از مهمترین علوم مورد نیاز یک پیام رسان فرهنگی شناخت مخاطب است و جهادگری که ریشه فقر مناطق محروم را نداند ممکن است رفتار نامناسبی با اهالی داشته باشد و با

نگاه حقیرانه به مردم بنگرد، از این رو جهادگران

موفق هدف خود را شکوفایی روستا می دانند

و از هر رفتاری که به نوعی تحقیر و یتیم

نوازی باشد پرهیز خواهند کرد.

برخی عوامل فقر

فقر و محرومیت عوامل متعددی مثل

سیاست های ناکارآمد حاکمان، امتحان الهی، گناه،

مجازات مومنین در دنیا بجای عذاب قیامت و... دارد که در

ذیل آنها به دو عامل مهم آن می پردازیم:

فقر بر آمده از سیاست حاکمان

برای تحلیل وقایع کشورمان در سالهای اخیر و ریشه یابی

برخی بی عدالتی ها در دوران های گذشته، لازم است مدل

اقتصادی پیامبر اکرم ^۶ و حضرت علی ^۷ و تفاوت اساسی

آن با برخی خلفا به اختصار بررسی شود، ثمره ی این اختلاف ایده

تا آنجاست که حتی جنگ بزرگ جمل را برپا می کند و چه بسا

امروز نیز ریشه بسیاری از فتنه های کنونی باشد.

عثمان بن عفوان معتقد است باید مدیران موفق مثل طلحه

و زبیر را شناسایی نمود و بخشی از سهم بیت المال مردم را به

آنان داد تا در کشاورزی توسعه ایجاد شود و مشکلات مردم با

کارگری در مزارع طلحه و زبیر مرتفع گردد در مقابل حضرت

علی ^۷ با الگو پذیری از پیامبر اعظم ^۶ معتقد است سهم

هر کس برای خود اوست و اگر خودشان بخواهند، می توانند

آن را به مدیری موفق بسپارند و دولت حق این واگذاری را

ندارد، تفاوت این دو نظر خود را در زندگی اشرافی آن مدیران

موفق و برخی خلفا و در مقابل فقر حاکم بر توده های مردم

گام

از خاک فاصله گرفتن هنر
دانه‌ها و جوانه‌هاست،
دانه‌های پوک و پوسیده
در اسارت خاک می‌ماند.

۲. آثار اجتماعی:

میان محرومیت‌های اقتصادی و مسائل فرهنگی - اجتماعی پیوندی مستحکم وجود دارد. آثار گوناگون فقر در هنجارهای جامعه نیز تأثیر می‌گذارد.

مهم‌ترین اثر اجتماعی فقر که خود به آثار دیگر می‌انجامد، ضعف شخصیت تهیدستان است. فقیران، به سبب برخوردار نبودن از امکانات مادی و موقعیت اجتماعی، در جامعه مورد تحقیر قرار می‌گیرند؛ اگر حقی از آن‌ها پایمال شود، کسی گفتارشان را نمی‌پذیرد. بنابراین، قدرت دفاع از حق خود را از دست می‌دهند و نومید به انزوا روی می‌آورند. حضرت سجاد ⁷، با توجه به تأثیر فقر بر شخصیت انسان، چنین دعا می‌کرد: ...خدایا، حیثیت مرا با تنگدستی پایمال نگردان.^۶

حضرت علی ⁷ نیز در این باره می‌فرماید: تهیدست کوچک شمرده می‌شود، سخن وی را نمی‌شنوند و جایگاه او را نمی‌شناسند. و در فرازی دیگر از گفتار خویش می‌فرماید: اگر فقیر راستگو باشد او را دروغ گو می‌پندارند.^۷

آن بزرگوار، درباره‌ی ناتوانی تهیدست در دفاع از حق خود، می‌فرماید: فقر انسان زیرک را هنگام استدلال گنگ می‌سازد.^۸ و در اشاره به فرجام تهیدست و گوشه‌گیری وی چنین می‌فرماید: اگر انسان تهیدست شود، نومید و خوار می‌گردد.^۹ ... مستمند در وطن خویش منزوی و غریب است.^{۱۰}

آنچه گذشت، آثار اجتماعی فقر را در شخص فقیر نشان می‌دهد. این آثار در صحنه‌ی اجتماع بسیار خطرناکتر و ویرانگرتر است. بخشی از این آثار، که به طور عمده زابیده‌ی عقده‌های روحی و تحقیرهای اجتماعی و سلب شخصیت تهیدستان شمرده می‌شود، عبارت است از: بالا رفتن آمار جرائم و بزهکاری حتی در میان کودکان و نوجوانان، طلاق، اعتیاد، فحشا، تکدی و ولگردی.

۳. آثار سیاسی:

فقر و محرومیت سبب می‌شود تهیدستان در برابر دولتمردان احساس کینه و دشمنی کرده، در اجرای برنامه‌های دولت کارشکنی کنند. هر چند این گروه‌ها از موقعیت اجتماعی بی‌بهره‌اند؛ ولی بدان دلیل که بیش تر

امتحان الهی

قرآن کریم ریشه برخی فقرها را آزمون خداوند می‌داند و می‌فرماید:

(وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ) ^۴

«بطور مسلم ما همه شما را با اموری همچون ترس و گرسنگی و زبان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم» بر اساس روایتی دیگر، خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد: ای ابراهیم، تو را آفریدم و با آتش نمرود آزمودم. پس هرگاه تو را گرفتار فقر می‌ساختم و بردباری ات را می‌گرفتم، چه می‌کردی؟ ابراهیم پاسخ داد: خدایا، فقر از آتش نمرود بدتر و شدیدتر است.

خدای متعال فرمود: به عزت و جلالم سوگند، در آسمان شدیدتر از فقر نیافریدم^۵

آثار فقر

۱. آثار اقتصادی:

از آن جا که فقر پدیده‌ای اقتصادی است، به طور طبیعی در حوزه‌ی اقتصاد آثاری ویران گر برجای می‌نهد. این پدیده چنانچه به موقع شناسایی و نابود نشود، چون غده‌ی سرطانی گسترش یافته، جامعه را فرا می‌گیرد و به مرگ اجتماع می‌انجامد؛ به تعبیر جامعه‌شناسان، فقر فقر می‌زاید و به طور معمول فرزندان فقرا در محرومیت باقی می‌مانند. مورد استفاده قرار نگرفتن امکانات بالقوه‌ی اقتصادی، فقدان سرمایه‌ی لازم برای سرمایه‌گذاری، کمبود تقاضا برای نیروی کار، پایین بودن مزدها و رشد منفی، از دیگر آثار اقتصادی فقر است؛ زیرا فقرا، به سبب محرومیتی که دارند، به طور معمول از تحصیلات و تخصص لازم بی‌بهره‌اند؛ از نتیجه، از ظرفیت کارخانه‌ها و مزارع و دیگر منابع و امکانات استفاده‌ی کامل نمی‌شود، تولید کاهش می‌یابد و در نهایت، کشور فقیر برای تأمین نیازهای اساسی اش، ناگزیر ارزش‌های خود را زیر پا می‌نهد. دست‌نیاز به سوی کشورهای ثروتمند دراز می‌کند و به وابستگی اقتصادی، که اغلب به وابستگی سیاسی می‌انجامد، تن می‌دهد.

مردم را شکل می دهند، رضایت آن ها موجب مستحکم شدن پایه های حکومت و ناخشنودی آن ها سبب فروپاشی آن می شود. هر گاه مردم فقیر به حکومت خود اعتقاد و اعتماد نداشته باشند، به سادگی بازیچه ی گروه های مخالف دولت می شوند و در برابر مزدی ناچیز مقاصد آنان را اجرا می کنند. حضرت علی ⁷ در نامه ی خود به مالک اشتر درباره ی تهیدستان چنین سفارش می کند: ... کارهای تو باید خشنودی رعیت را به دنبال داشته باشد؛ زیرا خشم توده های مردم، خشنودی خواص را پایمال می کند و حال آن که خشم نزدیکان، اگر توده های مردم از تو خشنود باشند، ناچیز است. ... همانا عامه ی مردم ستون دین و ساز و برگ در برابر دشمنان شمرده می شوند؛ پس باید توجه تو به آنان بیش تر و میل تو به ایشان فزون تر باشد.^{۱۱}

۴- آثار فرهنگی:

بالاترین فقر و محرومیت، کدام محرومیت است؟ آیا تنها با ایجاد عدالت مالی، سیر نمودن گرسنگان و یا فراهم نمودن رفاه اجتماعی برای مستمندان، می توانیم آرامش را نیز برای او به ارمغان آوریم؟

بی تردید دانایی نعمتی ارزنده و نادانی یک فقر بزرگ است، چنان که حضرت علی ⁷ می فرماید: «هیچ نعمتی از عقل برتر نیست.»^{۱۲} و «هیچ فقری مانند نادانی نیست.»^{۱۳}

آثار مخرب فرهنگی فقر به مراتب تاثیر گذار تر از آثار اقتصادی آن می باشد که برخی از این آثار ذکر می شود: الف) ضعف عقیدتی: محرومیت های اقتصادی ناشی از فقر، در افرادی که دارای ظرفیت لازم نیستند، به سست شدن ارکان ایمان می انجامد و ممکن است اعتقادشان به مبدأ هستی را ضعیف کند «همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می کند.»^{۱۴}

ب) ضعف علمی: کمبود مراکز آموزشی و مربیان مجرب یکی از آثار فقر در سطح جامعه است. علاوه بر این، امکانات محدود جامعه نیز تنها در اختیار گروه های خاصی که از توانایی مالی برخوردارند، قرار می گیرد. در کشورهای فقیر معمولاً کودکان از سنین پایین در کنار سرپرست خانواده برای تأمین نیازهای اولیه زندگی تلاش می کنند و به همین سبب، آمار ترک تحصیل نوجوانان بسیار بالاست.

ج) اضطراب و ناراحتی های روحی: وقتی فاصله ی طبقاتی در جامعه ای شدت یابد، به تدریج کینه ها و عقده های روحی در درون فقرا ریشه می دواند و حالت نومیدی و افسردگی آن ها

را فرا می گیرد و آثار اجتماعی زیانباری به ارمغان می آورد. د) رخت برپستن صفات پسندیده: انسان های نیازمند، به سبب تزلزل روحیه ای که دارند، در برخی موارد گرفتار ضعف شخصیت شده، به تدریج خصلت های والای خود را از دست می دهند و به بعضی از صفات ناپسند مبتلا می شوند؛ برای مثال وقتی نیازمندی می بیند کسی سخن راستش را باور نمی کند، کم کم در برابر دروغ گویی بی تفاوت می شود. امام رضا ⁷ در این باره می فرماید: هرگاه دنیا به کسی پشت کند (فقیر شود) نیکی های خودش را نیز از او می گیرد.^{۱۵}

با این وجود روشن می شود که اگر اولویت فعالیت ها در اردوهای جهادی، همچون مسیر انبیا^{۱۶} ایجاد عدالت اجتماعی با نگاه تساوی همگان در بهره گیری از ابزارهای هدایت باشد، نتیجه همه ی فعالیت های اردو، رنگ ماندگاری بر خود می گیرد چراکه تاثیر گذاری فرهنگی، شاه کلید تمام فعالیت های عمرانی، آموزشی و بهداشتی است از این رو لازم است کلیه فعالیت هایی که در راستای رفع فقر و محرومیت مادی است ابزاری در راستای معرفت دهی و عمق بخشی به معرفت دینی گردد چراکه حضرت امام علی ⁷ فقر مادی را مقدمه فقر فرهنگی می دانند و می فرمایند: «فقر، مرد زیرک را در برهان کند می کند.»^{۱۷}

۱. ابراهیم: ۳۴. ابراهیم: ۳۴.

۲. الحیاء، ج ۴، ص ۳۰۹.

۳. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۴۳۸، ح ۱۵۹۸۵.

۴. (بقره، ۱۵۵)

۵. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۴۳۸، ح ۱۵۹۸۵.

۶- صحیفه سجاده، دعای بیستم، ۶.

۷. الحیاء، ج ۴، ص ۳۰۱.

۸. الحیاء، ج ۴، ص ۲۸۶.

۹. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۳.

۱۰. همان، ش ۱۵۰.

۱۱- نهج البلاغه، ترجمه آیتی، نامه مالک اشتر، ص ۳۳۴. (با تصرف)

۱۲- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه دشتی حکمت ۵۴.

۱۳- همان.

۱۴- همان، حکمت ۳۱۹.

۱۵- حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی اسلام در تعلیم رضوی، ص ۱۲۰.

۱۶- قال الله تبارک و تعالی: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ». ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکستناپذیر است! (حدید، ۲۵)

۱۷- سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۳.

مدیریت جهادی

ما از دانشگاه این را می‌خواهد.^۲

هماهنگی میان مهندسی فرهنگی نظام با مدیریت جهانی

مهندسی فرهنگی نظام عبارت است از طرح نوسازی و بازسازی کلان نظام؛ دستگاه‌ها و سیاست‌ها و قوانین و سازوکارها برای تحقق فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف هر جامعه و نظامی براساس اهدافی که دنبال می‌کند خود را مهندسی و مدیریت می‌کند.

بنابراین مهندسی فرهنگی جامعه و نظام هم به معنای رویکرد طرح و مهندسی کلان نظام همراه با سازمان‌ها و سیاست‌ها و قوانین و سازوکارها به سوی اهداف فرهنگی است. تردیدی نیست که اصلی‌ترین ره‌آورد انقلاب اسلامی تحول فرهنگی در جامعه و جهان بوده است هر چند تحولات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را نیز به دنبال داشته اما تحول فرهنگی براساس آموزه‌های دینی مهم‌ترین ره‌آورد آن شمرده می‌شود از همین رو شالوده ساختار نظام جمهوری اسلامی را اهداف فرهنگی می‌سازد.

در این میان یکی از ارگان‌هایی که متناسب با نقشه و هدف کلی نظام طراحی و مهندسی شده است؛ مدیریت جهادی است البته موفقیت نظام در رسیدن به اهداف فرهنگی خود نیازمند آن است که همه اجزاء درونی و سازمان‌های داخلی را براساس فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف مهندسی کند؛ و نقایص را از دستگاه‌های برخوردار مرتفع نماید.

۱. رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۵، ص ۴۶، ۱۳۶۹/۴/۲۰.

۲. رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۳. ر ک: آسیب‌شناسی اردوهای جهادی از نمای پیام‌رسانی فرهنگی، ص ۴۵.

توسط کارگزاران فردای نظام که دانشجویان و فرهیختگان دانشگاه‌ها می‌باشند که بهترین مکان برای این کارگاه، اردوهای جهادی دانشجویی است.

ب) تکمیل زیرساخت‌های علمی بومی و تولید علم از دریچه شریعت.

نهیضت نرم‌افزاری علمی

مقام معظم رهبری عامل ترقی و رشد جامعه اسلامی را تحقق انقلاب فرهنگی و ارائه الگوهای اداره نظام اسلامی می‌داند و معتقدند این حرکت منوط به تولید علوم مورد نیاز می‌باشد که این امر نیز نیازمند سال‌ها کار و تلاش علمی در حوزه و دانشگاه است، در همین راستا مقام معظم رهبری نقش دانشگاه‌ها را در تحقق الگوی زندگی اسلامی گوشزد کرده و مهم‌ترین انتظار از دانشگاه‌ها را ارائه راهکارهای جدید مبتنی بر مبانی دین می‌داند و می‌فرماید:

باید مغز متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها را در بعضی مثل وحی منزل است و درباره‌اش نمی‌شود اندکی تشکیک کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلاجی کنند، روی آنها سؤال بگذارند این جزمیت را بشکنند و راه‌های تازه‌ای پیدا کنند، خودشان استفاده کنند و هم بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است، امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور

یکی از اهداف بلند اردوهای جهادی تمرین مدیریت اسلامی و بازیابی الگوی عملیاتی اداره جامعه براساس تعالیم شریعت است، البته برخی مدیریت را همانند سایر علوم انسانی از پیش تعریف شده می‌دانند؛ و از این رو معتقدند، پسوند اسلامی یا جهادی نمی‌پذیرد.

در برابر این نظریه گروهی الگوی اسلامی مدیریت را نرم‌افزار پویایی می‌داند که متناسب با مقتضیات مکان و زمان قابل انعطاف است در این اندیشه، مدیریت جهادی، همان روش کلی مدیریت مدیران الهی در طول تاریخ می‌باشد.

شیوه مدیریت پیامبر اعظم ص، حضرت علی ع و اهلیت: الگوی مناسبی برای این نوع مدیریت خواهد بود که علاقه‌مندان می‌توانند برای نمونه به نامه حضرت علی ع به مالک اشتر در نهج البلاغه که سند رسمی سازمان ملل نیز می‌باشد مراجعه نمایند.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

در بعد ارائه الگوی زندگی اسلامی توجه به این نکته لازم است که باید معیارها و شاخصه‌های دینی در طراحی ساختارهای حکومتی و مدیریت جامعه ملاک قرار گیرند، چرا که اگر بخواهیم براساس الگوهای رایج حرکت کنیم نظام از هویت اسلامی خود تهی شده و نتیجه‌ای جز انحلال آن در پی نخواهد داشت.

اگر ما این اشتباه را می‌کردیم و بکنیم که در مسئله حکومت و مدیریت جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش بکنیم و به سمت همان فرم‌های رایج دنیا برویم معنای جامعه اسلامی از بین خواهد رفت. این نقطه‌ها تعیین‌کننده است.^۱

از این رو لازم است دو جریان مهم در کشور ایجاد گردد تا الگوی بومی مدیریت اسلامی تحقق یابد:

الف) تمرین کارگاهی مدیریت اسلامی



چقدر بیچاره‌اند آنان
که چاره‌ی دردهای
خویش را در خاک
می‌جویند.

یکی از جهادگران دانش‌آموزان را به صف کرده بود و دسته‌جمعی اذان می‌گفتند و دانش‌جویان و اهالی آماده نماز می‌شدند، برایم جالب بود با وقت کمی که داشتند همه کارهایشان را تعطیل کرده بودند و برای نماز آمده بودند. بعد از نماز که همه جمع بودند فرصت مناسبی بود برای یک مصاحبه صمیمانه! ضبطم را درآوردم و از بچه‌ها یکی یکی پرسیدیم چرا به اردوی جهادی آمده‌اند. البته اگر کسی هدف تکراری می‌گفت، می‌سوخت که چند نفری هم سوختند. پاسخ‌هایشان شنیدنی بود:

- تجربه جهادی نداشتم و از تلویزیون دیده بودم می‌خواستیم که به آدم‌ها کمک کنیم، گفتم: چه کمکی از این بهتر چون خدا فرموده: اگر به خلقم خدمت کنید به من خدمت کرده‌اید!

- من با کودکان بازی می‌کنم، و هدفم این بود روزهای خوشی را در دوران کودکی‌شان بیافرینم، در ذهن اینها ایجاد شود که یک آدم‌هایی آمدند و روزهای خوشی برای ما ایجاد کردند، بلکه به این روش حداقل

آمدنم بی‌ارچه بود

اردوی
جهادی نیامدن،
دلیل می‌خواهد
آمدنش دلیل
نمی‌خواهد.



گام



- پاک شدن، کم گناه کردن و توشه‌ای برای آخرت چراکه بی‌کاری، علت خیلی از گناهان است.
- بیرون آمدن از تن پروری شهری
- از خودم خجالت کشیدم تاکنون برای کسی قدمی بر نداشته‌ام
آدم قدمی بردارم.
- آدم خوب از بیرون به زندگی خودش فکر کند و محرومیت را ببیند و خدا را شکر کند.

- دیدن زندگی‌های مختلف و شکر کردن به خاطر چیزهایی که آنها را داریم و بقیه آن را ندارند.^۶
- برای این که روی خودم کار کنم و خودم را پرورش بدهم، کسانی که در خانه در پر قو بزرگ شده‌اند در این جا ...
- هدف این است که بقیه سمت دین بیایند.
- جایی که تنها باشم و به سمت خدا بروم.
- بچه‌ها با اخلاص آمدند و می‌خواستیم در این فضا باشم.

- من آدمم بگویم که راه ادامه دارد و شهیدها زنده‌اند و راه آنها ادامه دارند. قبر شهید خرازی یکی از درهای بهشت است. وقتی به شهید باکری بورسیه می‌دهند، می‌گویند: من قبول نمی‌کنم. شهید باکری‌ها هستند و من دارم با آنها زندگی می‌کنم. یکی از بچه‌ها گفت من سال‌ها سوار اتوبوس نشدم حالا باید پشت نیشان بنشینم. من پدر و مادرم دکترند آن یکی پدرش قاضی. هنوز همت‌ها هستند. اگر کسی در اردوی جهادی بمیرد شهید است. این‌ها نسل شهیدها هستند و سلاح آنها بیل و کلنگ است این‌جا توفیق می‌خواهد و هر کسی را این‌جا راه نمی‌دهند. این‌جا جایی که خواب تو و نفس تو عبادت است. خواب و نفس و قدم‌های شما عبادت است...

- هم‌نشینی با فقرا^۷ که دعا می‌کردم خدایا ما را از فقرا جدا نکن که حالی عجیب پیدا کردم.
- پیدا کردن رفیقی خوب و صادق و باوفا و پابرجا.
- برای کمک آمدم و نظر داشتیم ولی الان برای این آدمم که در این جمع باشم.

- من به دلم افتاد که بیایم تا اردوهای دیگری را هم ببینم و با دیگران آشنا شوم و الان حسرت این را می‌خورم که چرا سه سال اول، اردو جهادی را نیامدم. مشکلات درسی من با اردوی جهادی حل گشت.
- اردوی جهادی نیامدن دلیل می‌خواهد آمدنش دلیل نمی‌خواهد.
- در دانشگاه آشنا شدم با اردوی جهادی، چه بهتر بود که از مدارس این اردو جهادی شروع می‌شد و ذهنیتم در دبیرستان شکل می‌گرفت و از آن موقع باید اردو جهادی شروع شود. وقتی وارد دانشگاه می‌شوی مباران اطلاعاتی شروع می‌شود. یکی از آن مقوله‌های روشن کننده

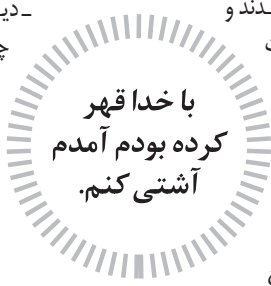
در ظاهر الگوی فرداهای آنان شویم.
- آدمم تا فقر فرهنگی را با (وَأَمَّا نِعْمَةٌ رَبِّكَ فَحَدِّثْ)^۲ "نعمت‌ها را بگویم تا مردم شکرگذار باشند" آدمم تا (السَّائِقُونَ السَّائِقُونَ)^۳ باشم در کار فرهنگی، من دست یک نفر را گرفتم که دست او درد می‌کرد.
- شنیده بودم انبیا هم اردوی جهادی داشتند مثل حضرت عیسی که گروه جهادی پزشکی داشت؛ می‌خواستیم سخن آنان را به روش خودشان به گوش مردم برسانیم.

- پدر و مادر من راضی نبودند ولی یک دفعه راضی شدند و من نمی‌دانستم کجا می‌روم و چرا می‌روم؟ من دوست داشتم حرف بزنم با این‌ها که ساده و پاک هستند.
- می‌خواستیم تمرین مدیریت کنیم و برای ظهور حضرت آماده شوم.^۴
- آدمم یک کلمه یاد بدهم تا با ثواب یاد دادن شریک باشم^۵
- بعضی‌ها نمازشان را هم بلد نبودند، آدمم تبلیغ شریعت کنم.

- آدمم از فضای شهر نجات پیدا کنم تا برسم به آدم‌هایی که خیلی به خدا نزدیکند، بچه‌های جهادی و هم مردم عادی صاف و ساده
- با قصد تقرب و خودسازی برسم به آن چیزی که باید باشم اما چرا از این راه اردوی جهادی و روستا؟ چون بهانه است برای خارج شدن از شهری بودن و شکسته شدن غرورم.
- احساس می‌کردم زندگی من خیلی نامفید است و نمی‌توانم به کسی سود برسانم و احساس می‌کردم که هدف خلقتم را نادیده گرفته‌ام و دارم عمرم را از بین می‌برم. آدمم تا آینده‌ام را درست کنم و این بهترین است.

- قرار نبود که من با این اردو همراه شوم که صبح روزی که می‌خواست اردو راه بیفتد بعد از نیمه شعبان قسمتم شد و این را هدیه به امام زمان می‌دانم.
- وقتی آدم می‌آید این‌جا تازه می‌فهمد که هیچ چیزی بارش نیست و من فکر می‌کنم خودم فقیر هستم. خیلی‌ها جانشان را گذاشتند در جنگ برای من و پابریگان و من الان آدمم از اندیشه‌ی مدافعین دیروز دفاع کنم.

- من تا حالا برای کمک به خلق الله سفر نکردم اولین بار است که برای خدمت به خلق سفر کرده‌ام و آن دست غیبی مرا آورده است
آمده‌ام زکات شهری بودنم را بدهم.
- من برای کمک بخودم آمده‌ام و آمده‌ام ساده‌زیستی را یاد بگیرم.
- هدفم آرامش و موقعیت برای فکر کردن بود.
- دور هم بودن و خوش بودن و کار کردن و استفاده از وقت.
- بیرون آمدن از تکراری بودن و این که آدمم ببینم چگونه است.



اگر نمی‌توانی پرنده باشی، مرغ خانگی نباش.

راه، اردوی جهادی است.

- در اولین اردویم فکر کردم می‌توانم کمک‌رسانی کنم، وقتی که بیشتر فکر می‌کنم دیدم فقط خودسازی است.

- جهادی مثل یک جزیره می‌ماند که در این جزیره اتفاقات خیلی زیادی می‌افتد. دوستی‌هایی عمیقی در این جهادی‌ها شکل می‌گیرد. فرصتی که من آن را مغتنم می‌شمارم که علم یاد نمی‌گیری ولی نور به دست می‌آوری. هدف از جهادی پروسه‌ای است که در حال تکمیل شدن است اگر زمان اهداف ما را تکمیل می‌کند. در اردوی جهادی دید باز می‌شود وقتی بچه‌ای را می‌بینم تا کلاس پنجم بیشتر نمی‌تواند درس بخواند ولی من تا دانشگاه و... من فهمیدم که وام‌دار دیگران هستم که شرایط تحصیل ندارند.

- در این مناطق سطح توقعاتم در همه جنبه‌ها پایین آمد و یک تلنگری خوردم برای درست شدن.

- آمدم یک کار خوب کنم تا دستم را بگیرند.

- اول فکر می‌کردم اگر نیامده بودیم و این پول را داده بودیم کار بیشتری در زمان کمتر با هزینه کمتر انجام می‌شد بهتر بود اما دیدم که حضور ما در این‌جا خیلی خوب است و حضور ما قلب آنها را به ما نزدیک می‌کند و بچه‌های خودمان نیز ساخته می‌شوند.

- هدف اول من انجام کار خیر نیست بلکه نیاز درونی من می‌گوید که در این گروه نیازت برطرف می‌شود. می‌خواهم جایی بروم که از ذهن مادی به دور باشد. جایی که امثال زندگی مادی آن‌جا کم باشد و من این را دوست دارم.

- خیلی خوب است ما که می‌خواهیم زندگی را شروع کنیم و مدیران آینده باشیم بیاییم و زندگی محرومان را ببینیم.

- احساس مسئولیت می‌کنم ماها یک سری مشکلات و این‌ها یک سری مشکلات دارند یک وقت نگوئید که اینها بدبخت هستند من خودم بدبخت هستم. کمک کردن به محرومان. یک چیزهایی هست که در هیچ‌جا نمی‌شود یاد گرفت مگر در منطقه محروم

و آن هم در اردوی جهادی و آن هم جایی که تو را نمی‌شناسند و این هم شرایط خاصی است.

- پیدا کردن خدای گم شده و فهمیدم خدا هست و آمدم خودم را پیدا کنم.^۸

- از امکانات در شهر خسته شده بودم و خواستم زندگی دیگری داشته باشم.

- با خدا قهر کرده بودم آمدم آشتی کنم.

- من آمدم تا خودم و امام زمانم و خدا را پیدا کنم و تاکنون پیدا نکرده‌ام.

- نیازهای کشورم را درک کنم و بشناسانم.

- آمدم دل رهبر، روح امام و شهدا را شاد کنم.

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، آن کسی است که سوادش بیشتر به مردم برسد». (اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۹)

۲. سوره ضحی، آیه ۱۱.

۳. سوره واقعه، آیه ۱۰.

۴. زمانی مهدی ۴ خواهد آمد که یارانی پیدا شوند که دو ویژگی داشته باشند: ۱ - عبد خدا باشند. ۲ - صالح باشند: یعنی صلاحیت‌های لازم را داشته باشند. به عبارت دیگر تعهد و تخصص داشته باشند». (رک: تفسیر آیة «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» انبیاء، ۱۰۵) قال الصادق ۷ «لو كان فيكم عدو أهل بدر لقام قائمنا؛ امام صادق ۷ فرمودند: اگر بین شما سید و سیزده یار آماده پیدا شود، قائم ظهور خواهد کرد» (طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، مشکاة الانوار، ص ۶۴).

۵. ابوبصیر می‌گوید: شنیدم امام صادق ۷ فرمود: کسی که به دیگری چیزی یاد بدهد برای اوست مانند پاداشی که به آن یاد گیرنده و عمل کننده می‌دهند. عرض کردم: اگر به فرد دیگر هم یاد بدهد آیا به آن ثواب نائل می‌گردد؟ فرمود: اگر به تمام مردم یاد بدهد ثواب عمل آنها را دارد. عرض کردم: اگر بمیرد هم آن پاداش را دارد فرمود: اگر بمیرد هم به او پاداش می‌دهند. (اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳)

۶. امام سجاد ۷ به خدای سبحان عرض می‌کند: «خدا یا! ما هرگاه تو را حمد گفتیم بار دیگر باید تو را حمد کنیم که تو را حمد کرده‌ایم یا شکر کنیم که تو را شکر کرده‌ایم». (علی بن حسین ۷، صحیفه سجاده، دعای ۳)

۷. قال امیرالمؤمنین ۷: جالس الفقراء تزدد شکرًا؛ امام علی ۷ فرمودند: با فقرا هم‌نشینی کن و شکرگزاری خدا را زیاد نما. (آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص ۳۵۷)

۸. قال علی ۷: «من عرف نفسه فقد عرف ربه؛ حضرت علی ۷ فرمودند: هر کس خود را شناخت خدا را شناخته است.» (مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲)

من آمدم تا
خودم و امام زمانم و
خدا را پیدا کنم

گام

ایستگاه گفتمان

۴) حضور خواهران و مسئولین کمیته های خواهران و برادران در شناساییهای ثانویه ضروری است و اثرات اردو و کیفی بودن برنامهها را مضاعف میکند.

۵) حتماً چند روز قبل از اردو (دو تا سه روز) با مراجعه به روستاها، برای بار چندم اطلاع رسانی برنامههای اردو با رویکرد فرهنگی، صورت گیرد.

۶) حضور روحانی و مبلغه خواهر، جزء اصلی و لاینفک اردوهای جهادی است،^۲ اما احساس میشود حضور مداح نیز این امر را کامل میکند. به ویژه برای برگزاری مراسمهای و هیات ویژه اعضای گروه.

۷) به منظور رعایت دستورات الهی در بحث ارتباط با نامحرم، همچنین جهت سلامت روحی و ارتقاء معنوی اردو و عدم بدبینی روستائیان به چهرههای جهادی توصیه میگردد بیشترین دقت در روابط برادران و خواهران^۳ اردو به عمل آید.^۴

چه مواردی لازم است، شب اول، توسط مسئول اردو تذکر داده شود؟

۱. تنها تلاشی ماندگار و سازنده است، که برای رضایت خداوند باشد، هدفتان از اردو خدمت گذاری خالصانه برای خشنودی خداوند و حضرت ولی عصر 4 باشد.

۲. اردو بهترین فرصت اجرای برنامههای خودسازی است.

۳. بدون هماهنگی با مسئولین، وعدهای به اهالی داده نشود.

۴. با همه اهالی به ویژه جوانان و نوجوانان ارتباط صمیمی پیدا کنید.

۵. در بین اهالی نخبگان را شکار کنید و برای آنان با رعایت دقتهای تربیتی، برنامههای، ویژهای داشته باشید.

۶. جهاد خود را با گناه کبیره «اسراف» کم رنگ نکنید. برای مثال، برخی موارد، به علت غیرقابل پیش بینی بودن شرایط، غذای زیاد طبخ می شود، که با تقسیم، آن به همسایگان از اسراف پیشگیری کنید.

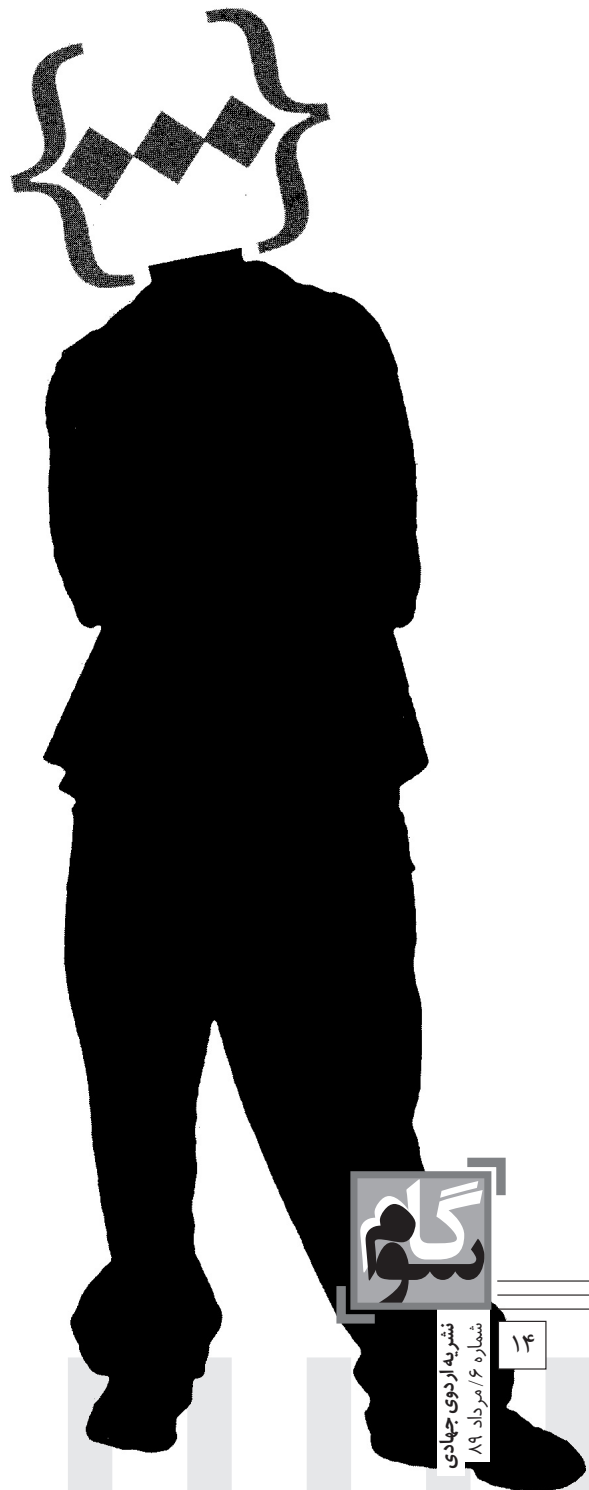
سؤالات خود را به سامانه پیامک مرکز پژوهش بفرستید تا کارشناسان ما پاسخ پرسش هایتان را برایتان ایمیل یا پیامک کنند. در ذیل سؤال چند جهادگر ذکر می شود.

اولین گام های حرکت جهادی چیست؟

۱) مهم ترین مرحله اردو، اولین اقدام آن یعنی «مرحله شناسایی» است که بایستی به طور دقیق در تمامی ابعاد آن صورت گیرد. در این مرحله نباید شتابزده و عجولانه رفتار کرد چرا که این مرحله تمام تصاویر اهالی نسبت به جهادگران شکل می گیرد که برای چه آمده اند آیا ما را فقیر و محروم می دانند یا برای تبلیغ دین و تربیت فرزندانمان آمده اند و در آن راستا کمکی هم به اهالی می کنند لازم است توجه شود که ایجاد شدن نگاه اول به شدت خطرناک است و مخاطب احساس حقارت خواهد کرد. از این رو لازم است الف) جلسات ابتدایی با دعوت رسمی و احترام فراوان بزرگان روستا باشد. ب) تلاش جهادگران مشروط به یک حرکت ابتدایی از جانب اهالی باشد برای مثال اگر این گودال پی کنده شده ما خواهیم آمد. اگر مشارکت اهالی نباشد نه تنها شکوفایی روستا نخواهد بود چه بسا مرگ فرهنگی در منطقه رخ خواهد داد.

۲) انتخاب افراد اردو بسیار حایز اهمیت است و سلائق اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و بنیادین آنها بایستی مورد توجه قرار گیرد.

۳) اگر اردو را عرصه مبارزه و مسابقه؛ و قبل از اردو را عرصه تمرین بدانیم بنابراین باید در تمرین به خوبی یارگیری کرد، افراد را در تیم چینش نمود تا با بازی هم آشنا شوند، استعدادیابی نمود و جلسات مستمر تمرین و توجیه را به نمایش گذاشت.



گام

شماره ۶ / مرداد ۸۹
نشریه اردوی جهادی

می‌توان از جهنم
بهشت ساخت، تنها
شرط آن است که
ابراهیم باشی.

۱۲. از هرگونه

اختلاط جنسیتی، بین

جهادگران پیشگیری شود.

۱۳. جهادگران به جنس مخالف،

تدریس نکنند.

۱۴. وسائل نقلیه را فضا سازی معنوی کنید،

مثل نصب برگه با محتوای تفکربرانگیز به شیشه‌ها.

۱۵. طرح ارزاق معنوی برگزار نمایند.

برای مثال، فال کارت‌های آیات موضوعی،

نکات روان‌شناسانه روایات در کار فرهنگی،

قطعه‌های وصیت‌نامه شهدا آماده و هر روز

توزیع شود.

۱۶. دعای عهد^۱ و مناجات‌های صبحگاهی،

در فضای خوابگاه پخش شود.

۱۷. هر روز از اردو به نام یکی از معصومین

نام‌گذاری شود.

۱۸. بدرقه و استقبال جهادگران با عبور از

زیر قرآن باشد.

۱۹. برای هر روز شعاری معنوی انتخاب

کنید

۲۰. طرح نشریات دیواری جذاب با هدف

افزایش سطح معنویت، برگزار شود. [۱۰]

۱. ر ک: آسیب‌شناسی اردوهای جهادی از نمای

پیام‌رسانی فرهنگی، پرسش ۱۳، ص ۵۳.

۲. همان، پرسش ۳۰، ص ۸۳.

۳. همان، پرسش ۲۴، ص ۷۸.

۴. کارشناس پاسخگو: اسماعیل احمدی.

۵. کارشناس پاسخگو: علیرضا ایران‌دوست.

۶. ر ک: آسیب‌شناسی اردوهای جهادی از نمای

پیام‌رسانی فرهنگی، پرسش ۲۰، ص ۷۳.

۷. قال رسول الله ﷺ: «إذا سمعت الأذان فات و لو

حيوا! پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: هنگامی که

اذان نماز را شنیدی - هرچه سریع‌تر - به مسجد بیا،

گرچه سینه‌خیز باشد.» (متقی هندی، علاء‌الدین علی

بن حسام، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۸)

۸. محققین مرکز پژوهش.

۹. حضرت صادق ۷ منقول است که هر که چهل

روز این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر

پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون

آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر

کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او

محو کند. (محدث قمی، مفاتیح الجنان، ص ۸۸۰)

برخوردهای اولیه مسئولیت داده شود.

برای ارتقای معنوی و دینی جهادگران در طول اردو، چه راه‌کارهایی وجود دارد؟

۱. از مبلغ و مبلغه‌های با تجربه استفاده شود و سخنرانی‌های کوتاه معنوی، هنگام نماز، صبحگاه و زمان حرکت، برگزار گردد.

۲. نماز جماعت‌ها، به ویژه نماز صبح، پیوسته برگزار شود و نسبت به حضور فعال جهادگران، تاکید گردد.^۲

۳. هیئت‌های معنوی، ویژه جهادگران برگزار شود.

۴. در بین نیروها توسط مبلغ یا استاد متخصص، مباحث اخلاقی و مهارت‌های پیام‌رسانی، مطرح گردد.

۵. قبل از اردو، طرح‌های فرهنگی داخلی، آماده‌سازی شود. برای مثال، طرح روزانه ختم چهارده هزار صلوات برای همه گروه، تقسیم برگه‌های قرآن خوانی. (روزی حداقل ده آیه)

۶. امکانات و وسایل معنویت‌افزای مورد نیاز، تهیه شود. برای مثال، مناجات سحرگاهی، هم‌خوانی‌های، شور آفرین صبحگاهی، کتاب با موضوع سیره علما و شهدا.

۷. یادبود و بروشور با موضوع سیره شهدا، تهیه گردد.

۸. نشست‌های صمیمی شبانه، با پیشکسوتان جهاد برگزار شود.

۹. اردو از یک مکان مقدس مثل امامزاده یا گلزار شهدا، آغاز شود.

۱۰. فضای معرفتی و تفکر بر انگیز ایجاد شود.^۳ برای مثال نصب سؤالات اساسی و بنیادی در فضای خوابگاه، برگزاری مسابقاتی که اندیشه را به حرکت وادارد (مثل: چرا به اردو آمده‌ام؟ اگر فقیری نبود اردوی جهادی چه خواهد شد؟ تبلیغ انبیا فقط مناطق محروم است؟)

۱۱. گروهی از جهادگران فرهنگی، نشریه روزانه‌ای با هدف افزایش انگیزه جهادگران توزیع نمایند.

۷. با اهالی حتی کودکان خردسال با عزت برخورد نمایند.

۸. هرگونه تلاشی با مشارکت اهالی باشد. و اگر مشارکت آنان، کم‌رنگ شد، برای بازگشت اهالی، مدتی کار تعطیل شود، چرا که هدف فقط ساختن بنا، یا آبادی مزرعه نیست، بلکه شکوفایی فرهنگی اهالی آرمان اردوست.

۹. لازم است هر شب در نشست‌های صمیمی، رفتار روزانه همه گروه‌ها آسیب‌شناسی گردد.^۴

برنامه‌های، روز اول ورود جهادگران، چگونه باشد، تا روستائیان را تحت تأثیر حضورشان، قرار دهد؟^۵

۱ - روز اول، فرصت مناسبی، برای آشنایی است، از این رو جهادگران، به صورت گروهی با شورا و بزرگان روستا، همراه شوند، تا اهالی و توانمندی‌شان را به جهادگران معرفی نماید.

۲ - معارفه ابتدایی و جلسات با شورای روستا و هیئت امنا مسجد، با حضور روحانی گروه جهادی باشد.

۳ - در اولین روزها با مشارکت اهالی، برنامه جشن یا هیئت متناسب، برگزار شود.

۴ - در معارفه ابتدایی، جهت مراسمات، پخش نذری، کلاس‌ها، ورزش، تلاش عمرانی و کشاورزی، متناسب با مخاطب، از اهالی نظر خواهی و دعوت گردد.

۵ - برنامه‌های از پیش تعیین شده گروه، با همکاری اهالی روستا، در وقت مناسب، وبا اطلاع رسانی گسترده باشد.

۶ - طرح برگزاری جام‌های فوتبال، دو همگانی، تیراندازی، طناب‌کشی و شنا، عاملی قوی برای مشارکت جوانان در اولین روز، است، از این رو، جهت مسابقات ورزشی بین روستایی و اردوهای متنوع، در همان روز اول ثبت‌نام، توسط یکی از جوانان منطقه انجام شود، بهتر است، جام‌ها با نام شهدا نام‌گذاری شوند.

۷ - به افراد با کمال احترام و ادب در

گام

انسان‌های کوچک
با بلوغ به تکلیف
می‌رسند و انسان‌های
بزرگ با انجام تکلیف
به بلوغ می‌رسند.

به ساعت من، این‌جا زمان چند سال قبل من است! هزار و سیصد و پنجاه و...، شاید هم نه! بهار که می‌آمد، این‌جا را ندید و از همان شهرهای بالا دور زد و رفت. نمی‌دانم کجای مدار زمین ایستاده‌ام؟! این‌جا آن قدر آسمان خشک است که زمین از تعجب دهن وا کرده! دلیل آمدنم برای خودم مبهم است، و توان ماندنم مبهم‌تر! یعنی می‌توانم!؟

می‌توانم صدای تلویزیون اتاق خوابم را کم کنم تا به جاش لالایی کودک را بشنوم که بالشی کوچک روی پاهایش گذاشته و می‌خواهاند عروسکی را که ندارد؟ می‌توانم ملحفه تختم را کنار بزنم و روی گلیم ضخیم خانه‌های کاهگلی، شب تا صبح به جای خواب‌های سیاه و سفید، خواب‌های سبز و سفید و قرمز ببینم؟! می‌توانم پنجره اتاقم را باز کنم تا آسمانی پر از ستاره مرا در آغوش بکشد میان چشم‌های کودکی که دستم را می‌کشید تا مرا از خیالات کودکی‌ام بیرون بکشاند؟! رفته بودم تا بیست و چند سال پیش... تا ورق بزنم دفترچه خاطراتم را... کودکی‌ام عروسکی در بغل، روی سه چرخه‌اش نشسته بود و خیره به دستان پدر داشته‌های من در بیست و چند سال پیش که حالا کودک روبرویم خیال آنها را در لابه‌لای موهای فرخورده پر از خاکش هم ندارد! کودکی‌ام با لباس زیبایی که مادر برایش با روبان صورتی دوخته بود، پرید در آغوش پدر و کودک روبروی من، دامن قرمز کوتاهش را مادرش با دست‌هایی که بوی نان می‌داد، برایش کوک زده بود. مادرها که فرق نمی‌کنند! مادر، مادر است، گنجینه‌ای از عشق... از محبت... آهان! یادم افتاد... عصرهای مان فرق می‌کرد! من کودک دهه شصت بودم و او کودک دهه...

راستی به ساعت من این‌جا چند سال قبل از من است؟! کودکی‌ام ورق خورد... رفت در صفحه‌ای که گم شده بود در کوچه پس‌کوچه‌ها، و صدای بمباران آن قدر هراسناش کرده بود که خانه‌اش را در روبروی چشمانش پیدا نمی‌کرد! و تازه بعد از هر پیدا شدن می‌فهمید چه خطر بزرگی از بیخ گوشش گذشته است! با صدای بمب می‌خوابید... با صدای بمب بیدار می‌شد... به امید روزی که تمام شود این بمباران لعنتی...! و حالا، بعد از بیست و چند سال، خوب که فکر می‌کنم می‌بینم هنوز دارم شب و روز بمباران می‌شوم تنها با این فرق که آن وقت‌ها هدف آن بمب‌ها فقط جانم بودند و حالا تمام هویتیم! و بدتر از آن این که حالا خطری هم احساس نمی‌کنم، چرا که معلوم نیست اصلاً این دفعه پیدا شدنی در کار باشد! و این تلخ است تلخ...

این‌جا... کجاست؟!!

وحیده گرچی

گام

نشریه اردوی جهادی
شماره ۱۶ / مرداد ۸۹



ورق می‌زنم زندگی ام را...

دفترچه خاطراتم را از آخر که می‌خوانم زاویه‌ای جدید رو به چشمانم می‌گشاید!
اصلاً کدام شاعرانه‌تر است؟ کدام معنی واقعی زندگی است؟

کودکی من که زیر سقف اتاقی چند در چند و در چهار دیوار خانه‌ای پر از هیاهوی ماشین، هدر می‌رفت شبیه قطرات آبی که شیر حوضش را سفت نبسته بودم، یا او که تمام پهنای آسمان سقف خانه‌اش است و پیدا می‌کند خودش را در رودخانه کوچکی که از کنار پایش می‌رود تا برود به دریا؟!!

من که یک تخت چوبی کوچک شده بود هم آغوش خواب‌هایم یا او که غلت می‌زند بر زمینی به وسعت امتداد نگاهش و خواب‌هایش هم آغوش می‌شوند با ستاره‌های آسمان؟!!

من که سه‌م زندگی‌ام از طبیعت لایتناهی، ماشین لباس‌شویی و پلوپز و لوازم برقی است یا او که دستانش را به آب که مایه حیات است می‌سپارد و برکت زندگی‌اش را به آتش؟!!

من که سه‌مهم از این زندگی، خنک شدن در زیر کولر است تا نکند روحم کمی بزرگ‌تر شود، و آن وقت است که در آپارتمان جدیدمان جا نمی‌شود! یا او که روحش را به خورشید می‌سپارد تا مثل آفتاب به پهنای سرزمینش گسترده‌اش کند؟!!

من که در دنیای تکنولوژی و هواپیما پیشرفته می‌شوم تا گاهی به قصد (قربت الی الناس) پی فیش حج بدم تا شاید خدا قسمت کند و... یا او که فهمیده است اول و آخر یکی است و برای این که تا او راهی نباشد، کعبه‌ای ساخته در قلبش؟!!

نه...! انگار من اشتباه آمده‌ام... اصلاً من نیامده‌ام... او آمده است به زندگی من! تا بگوید کجای مدار زمین ایستاده‌ام؟! کجای زندگی...!؟!!

حالا، به ساعت من این‌جا زمان سال‌های سال بعد از من است، هزار و چهارصد و... شاید هم دو هزار و... شاید هم قیامت!

جایی که همه میرسند به آن چه که تمام عمر در پی آن دویده‌اند! من هم آمدم تا برسم به خودم!

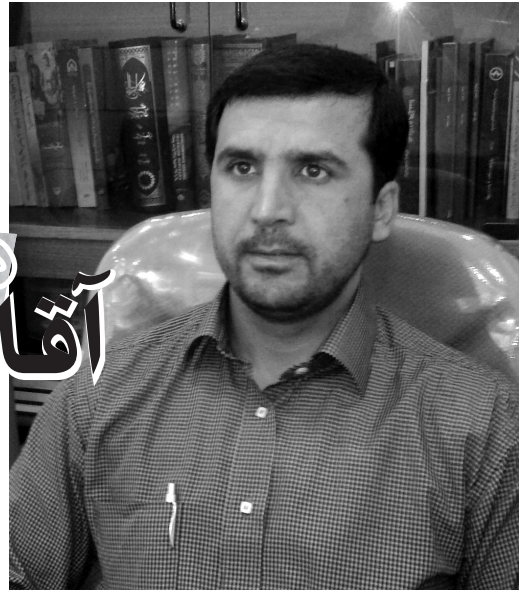
آدم تا از مرداب تفکرات شیطانی، از نماد ایکس‌ها و نعل اسب‌های آویزان شده در ماشین‌ها، از فیلم‌های هالیوودی، از منجیان همیشه مغلوب شیطان‌های دستی، از کارتون‌های والت دیزنی، از نماد موش و گربه، از میکی موس‌ها، از تنقلات فرنگی غیرفرهنگی، از شکلات‌های خارجی درست شده از شیر خوک، از نسکافه، از کواکولا، از پیسی و از همه چیزهایی که در اینترنت و ماهواره و موبایل و غیره به عنوان پیشرفت و تکنولوژی به خوردمان می‌دهند، نجات دهم خودم را...!!

آمده‌ام تا دور قلب مردمان این‌جا طواف کنم، تا شاید حجی مقبول و سعی مشکور در پرونده اعمالم جای گیرد.

به ساعت من این‌جا... مکه است... مدینه است... کربلاست...

مصاحبه با آقای مجتبی باستان

سید محسن صالحیان



۱. تقویت روحیه امید و خودباوری، اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری دانشجویان؛

۲. فراهم کردن زمینه واقعی پیوند دانشجو و بسیج در حوزه جهادی.

۳. ایجاد اعتماد عمومی و خوش بینی بین مردم نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی؛

۴. تقویت وحدت و انسجام بین مردم در بعد باورهای دینی و ملی؛

۵. تقویت روحیه کار جمعی و انسجام تشکیلاتی؛

۶. تحقق منویات مقام معظم رهبری توسط جوانان و آینده‌سازان کشور؛

۷. استفاده از پتانسیل دانشجویان در حوزه‌های نقد نظری در راستای فرمایشات حضرت امام؛ و مقام معظم رهبری؛

۸. شناسایی معضلات و چالش‌های محلی و منطقه‌ای و ملی به کمک دستگاه‌های مربوطه.

و اگر بخواهیم اهدافمان را در دو هدف محوری خلاصه کنیم در واقع می‌توان گفت:

۱. تبلیغ و ترویج و نهادینه کردن تفکر جهادی؛

۲. نقش‌آفرینی دانشجویان بسیجی در دهه پیشرفت و عدالت.

◀ **در خصوص راهبردهای معاونت در تابستان ۸۹ برای اردوی جهادی توضیحاتی بفرمایید؟**

۱. منطبق کردن فعالیت‌های جهادی و سازندگی با مؤلفه‌های ارزشی و دینی؛

۲. بومی کردن اردوهای جهادی در هر استان و منطقه؛

۳. توسعه اقدامات آموزشی توجیهی؛

۴. هم‌سو نمودن توانمندی‌ها و پتانسیل دانشجویان و نهادها؛

۵. تخصصی کردن عرصه‌های خاص که شامل این هفت عرصه می‌شود: بهداشت و درمان، کشاورزی و دامپروری، عمران، فرهنگی آموزشی، پژوهشی و کارآمدی، هم‌سازی و مرمت‌سازی مدارس باشگاه فرهنگی؛

◀ **سلام علیکم. لطف کنید برای شروع، خودتان و مسئولیت‌تان را برای ما و خوانندگان نشریه معرفی کنید.**

بنده مسئول معاونت سازندگی و کارآمدسازی سازمان بسیج دانشجویی هستم و در واقع این معاونت مباحث هدایتی و حمایتی و نظارتی را نسبت به اردوهای جهادی کل کشور دنبال می‌کند.

◀ **لطف کنید گزارش کوتاهی از فعالیت آن معاونت ذکر نمایید؟**

اردوهای جهادی‌ها در کل کشور با کمک سازمان بسیج سازندگی صورت می‌پذیرد که جهت تقویت محتوای این اردوها دو همایش کشوری رسم هجرت را قبل از زمان اردوهای جهادی و شکوه هجرت را بعد از اردوهای جهادی برگزار می‌کنیم. همایش رسم هجرت در واقع با هدف آموزشی، توجیهی قبل از شرکت در اردوها برگزار می‌شود و همایش شکوه هجرت در ماه‌های آبان یا آذر با هدف تقدیر و تشکر از فعالان جهادی، تبادل تجربیات و ارائه دست‌آورد‌های جهادی خواهد بود.

◀ **هدفتان از برگزاری این همایش‌ها چیست؟ مهم‌ترین هدف‌های ما:**



خیلی دیر است
اگر در قیامت
بفهمیم برای چه
آفریده شده‌ایم.

برقرار کنیم مثال ستادهای استانی و ستادهای پشتیبانی استانی و سپاه استان‌ها و سازمان‌های بسیج دانشجویی استان‌ها. البته از لحاظ هزینه هم یک بخش‌هایی محدودی هست و امیدواریم گروه‌ها بتوانند شناسایی دقیقی از مشکلات روستا داشته باشند.

◀ **به گفته دولت‌مردان طرح‌های اقتصادی دولت مثل هدفمند کردن یارانه‌ها و سهام عدالت ان شاء الله در چند سال آینده فقیر و محرومی نخواهیم داشت. در صورت تأیید، در اردوهای جهادی باید چه هدفی را پی‌گیری کنیم؟**

با توجه به نگاه بلندجهدگران و انگیزه‌های بنیادی در عرصه تفکر جهادی هر روز این اردوها پر شور تر خواهد بود، یکی از اهداف اردوها کار فرهنگی در مناطق محروم است که نشأت گرفته از مفاهیم عمیق دینی است به عبارت دیگر در هر دورانی جهاد فرهنگی دارای ابزارهای است که متناسب با زمان تغییر خواهد کرد. کار عمرانی و کار کشاورزی ابزاری کارآمد برای تأثیرگذاری فرهنگی است.

◀ **برای تقویت محتوای برنامه‌های اردوهای جهادی در زمینه‌های فرهنگی و ساختاری چه پیشنهادهای دارید؟**

ما در واقع زیرساخت‌ها را مشخص می‌کنیم و گروه‌ها باید خودشان برنامه‌ریزی داشته باشند. گروه‌ها وقتی که برای شناسایی می‌روند این کار را دقیق انجام بدهند و بهره‌گیری از تجربیات پیشکسوتان و کارشناسان برنامه‌ریزی دقیق داشته باشند و تشکیل مرکز پژوهش اردوهای جهادی نیز در همین راستا بوده است.

◀ **تشکر می‌کنم از این که وقت‌تان را در اختیار ما قرار دادید جمله‌ای پایانی برای ختم این مصاحبه بفرمایید.**

به حول و قوه الهی امسال با توجه به شعار سال که همت مضاعف و کار مضاعف هست ان شاء الله دانشجویان این شعار محوری و کلیدی را فصل الخطاب و افق دید خودشان قرار بدهند. ما هم یک بسیجی هستیم که می‌خواهیم با همت مضاعف و کار مضاعف در عرصه‌های جهادی توفیق کسب کنیم و امسال ان شاء الله در سی و یک استان تأثیرگذار باشیم.

ع پیوند زدن عرصه‌ها و هدف‌های جهادی با رشته‌های تحصیلی؛
۷. تطبیق عرصه‌ها با مخاطبین خاص با تفکیک جنسیت؛
۸. تحقق اردوها و معین شدن دانشگاه‌ها.

◀ **در مورد همایش رسم هجرت که اردیبهشت ماه در آبعلی برگزار شد توضیحات بیشتری برای خوانندگان بفرمایید و آیا به اهداف از پیش تعیین شده، رسیدید؟**

همایش کشوری و ملی رسم هجرت قبل از برگزاری اردوهای جهادی در تابستان برگزار می‌شود و بیشتر با هدف‌های آموزشی و توجیهی مطابق با هفت عرصه مذکور کلاس‌هایی را برگزار می‌کند.

امسال ۱۶ استاد ۳۲ کلاس آموزشی ۱/۵ ساعته را برای ۶۰۰ فراگیر از ۳۱ استان داشتند. افتتاحیه کلاس‌ها در دانشگاه تهران و خود کلاس‌ها و اختتامیه در مجتمع فرهنگی آموزشی در آبعلی برگزار شد.

اهداف اصلی همایش ما در واقع عبارت بودند از:

۱. ارائه مباحث آموزشی توجیهی؛
۲. ایجاد هماهنگی و وحدت رویه جهت اثربخشی بهتر اردوهای جهادی؛
۳. تلاش در جهت ارتقای کیفی اردوها؛
۴. انسجام تشکیلاتی.

به حول و قوه الهی همایش ما نسبت به سال‌های گذشته از لحاظ کیفی بسیار خوب بود. هم اساتید خوبی حضور داشتند. هم محتوای خوبی ارائه گردید. و هم بسته فرهنگی که توسط مرکز پژوهش‌های اردوی جهادی سازمان بسیج دانشجویی آماده شده بود مورد استقبال قرار گرفت.

◀ **چند اردوی جهادی در کل کشور برای تابستان امسال برنامه‌ریزی خواهند داشت و پیش‌بینی‌تان برای محتوای برنامه‌های‌شان چیست؟**

پارسال ۸۱۲ گروه جهادی فعالیت کردند که امسال این رقم افزایش داشته و به ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ گروه جهادی می‌رسد. ما امیدواریم بتوانیم ارتباط خوبی بین گروه‌های جهادی و مراکز



خدا در هر لحظه و
هر روز مهربانیش را به
ما می‌چشاند و ما حتی
مهربانی به خویش را
تمرین نمی‌کنیم.

دل‌م دوباره تنگه
برای خنده‌ها تون
برای شادیا تون
برای ترانه‌ها تون

انگار کنار سفره
جا مونده خاطراتی
پر از نوای شاد
جوای آبی جوای^۱

پیرهن تون صورتی
پر از گلای خندون
اما دل پاکتون
هم‌رنگه با آسمون
کاشکی که این شب تار
سحر بشه دوباره
باز برسه به خواسته ش
دلی که بی قراره

کاشکی دوباره صبحا
سوار وانت بشیم
مثل همون روزا که
حسرتشومی کشیم

برای یه پرنده
آشیونه بسازیم
با هر آجر تو دل
مردم خونه بسازیم

نمیره از یاد من
آسمون چهل منی^۲
غروبای قشنگش
تو چاه موتور آب‌تتی

مسجد کوچیک ده
بچه‌های باصفا
جوونای عزیز و
دخترای باحیا

من اوادم جهادی
تا خودمو بسازم
تا تو هیاهوی شهر
جوونیمو نبازم

من اوادم جهادی
تو خلوت غروباش
من باشم و خدایی
که تنگه قلبم براش

من اوادم آشنا
با همزیونی بشم
گم بشم تو خاک و خل
تا آسمونی بشم

دل‌م پر از امیده
میون این دود و دم
باز توی یک جهادی
رها می‌شیم ما از غم

صدای خنده‌ها تون
هنوز توی گوشمه
از اون دلای پرمهر
هرچی بگم باز کمه

دعا کنید بچه‌ها
برای این همسفر
برای روسیاهی
که مونده دور از سفر

من آمدم جهادی؟

قاسم اردکانی

گام

شماره ۶ / مرداد ۸۹
نشریه اردوی جهادی

تقدیم به چشمان معصوم کودک روستایی

از زمانی که به دنیای تو عادت کردم
به تو اندازه ی خورشید حسادت کردم
هر کجا رفتم و هر گاه درختی دیدم
از تو و سادگی و عشق روایت کردم
یاس و نرگس همه از چشم تو پیدا میشد
زین جهت بود که ابراز ارادت کردم
تو که لبخند زدی از ته دل فهمیدم
شرط مکتوب خدا را رعایت کردم
رنج و محرومیتت بازی الفاظ بد است
به خدا در دلم احساس خجالت کردم
عطش و داغی صحرای دهن باعث شد
من ببدل هوس فیض شهادت کردم
حین خدمت به تو و اهل دهن در خوابی
کریلا را ز همان دشت زیارت کردم
هدفم غیر ریا است و به جرأت گویم
کل ایام خدا را من عبادت کردم

موسم هجرت

محمدحسین مهدویان

دل، از برای پر زدن آماده است باز
چون چغیفات به دوش من افتاده است باز
گویا که باز موسم هجرت رسیده است
پا، بی قرار جاذبه جاده است باز
شور جهاد در دل عشاق می تپد
دل کنندن از زمین و زمان ساده است باز
این جا نشاط شور تکاپو حیات عشق
جانی به جسم مرده ما داده است باز
مثل تو و نماز تو صد راز سر به مهر
بین من و نیایش و سجاده است باز
بعد از غروب روشنت ای مرد کارزار
میدان به پیشواز من استاده است باز

دمی رفتم به اردوی جهادی / همان اردو که ربم هدیه دادی
بدیدم مردمی را غرق همت / ولی با ضعفهای اعتقادی
خداوندا خدایا این چه سر است / چرا این بنده را اینجا نهادی
که من خود مشکلاتی ژرف دارم / نه مثل مشکلات اقتصادی
درون نفسیات خویش ماندم / همین نفس ضعیف و نفس عادی
چه سودایی در این سر بود و این دل / که این بی عرضه را توفیق دادی
ندا آمد ز سمت آسمانها / که ای عبد من الخلیل العبادی
تو را من بی نهایت دوست دارم / از این رو آمدی اردو جهادی
اگر همت کنی در کار خویش و / بچنگی با فساد و بی سوادی
خدایت میکند از غم رها و / وجودت را سراسر غرق شادی

سید محسن صالحین
توفیق خدمت

<?>
<?>
جهادی آی جهادی.
روستایی در جنوب استان کرمان.

گم

۲۱

نشریه اردوی جهادی
شماره ۶ / مرداد ۸۹

برخی از زندگی تنها
همین سه واژه را
می‌شناسند: خوردن،
خوابیدن، خندیدن.

○○○ که من با بچه‌ها رفتم جهادی

سیدمحسن صالحیان

آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که اگر استادان شعر و ادب پارسی به اردوی جهادی می‌آمدند در وصف آن چه می‌سرودند. ما فکر کرده‌ایم و البته جست‌وجویی هم داشته‌ایم و متوجه شده‌ایم که گویا فقط مولوی به جهادی رفته و رضایت خود را این‌گونه ابراز داشته است:

ای خنک آن کو جهادی می‌کند
تا ز رنج آن جهانی وا رهد
بر بدن زجری و دادی می‌کند
بر خود این رنج عبادت می‌نهد^۱

در مورد سایر اساتید هم چون مستقیم لفظ جهادی را نیافتیم بر آن شدیم یک اردوی مجازی جهادی با آنها برویم تا خود حدس بزنیم در مورد اردوی جهادی چه فرموده‌اند.

حافظ شیرازی که در طول اردو لحظه‌ای از خدا غافل نمی‌شد جمله‌ای را در دل اردو سرود:

سبت سلمی بصدغیها فوادی
نگارا بر من بی دل بیخشی^۲
و روحی کل یوم لی ینادی
که من با بچه‌ها رفتم جهادی
اما باباطاهر عریان بعد از این که لباس جهادی را پوشید و از عربانی درآمد گفت:
یکی چنگال یکی چاقو پسندد
یکی فندق یکی گردو پسندد



بگویم من پسندم بی کلامی
احسنت به ولایت پذیری فوق العاده باباطاهر.

استاد شهریار هم به دلیل این که در منطقه خودشان روستاهای آن چنان محرومی
نیست با ما به اردوی جهادی آمده بودند. این دو بیت را یواشکی از دفترش درآوردم.
چون دوست نداشت بخشی از خاطراتش را بخوانم.

حیدر بابا دانشجولار جهاددا
پشتیبانیدا خدمت ایلیرم
من گلمیشم سن گالیپسان لاپ پاتا
اوشاخلارا پیشیریرام بییمیتا

یعنی:
حیدر بابا دانشجویها به اردوی جهادی رفته اند من با آنها آمده ام و تو مانده ای پس
از حسودی بترک
من در پشتیبانی خدمت می کنم
و برای بچه ها نیمروی تخم مرغ درست می کنم.

اما داستان حکیم ابوالقاسم فردوسی داستان جالبی است که به خاطر این که در
منطقه سیستان روستاها خیلی محرومند و کار جهادی سخت است با ما به اردو آمده
بود و در بخش عمرانی فعالیت می کرد.

بسی رنج بردم در این چند روز
نمیرم از این پس که من مرده ام
که گویی درآورده ام چند قوز
به اردو نیایم شکر خورده ام
بیفکندم از سنگ یک مدرسه
جهادی نیایم دیگه این بسه
فکر نمی کنم حکیم فردوسی با این طرز تفکرات بتواند یک اردوی دیگر هم برود.
اما حداقل مثل بچه های عمرانی بعضی اردوها تنبلی نکرد و ما شاهد بودیم که واقعا
مدرسه مذکور را ساختند.

از برادر سهراب سپهری هم به عنوان مربی آموزشی استفاده کردیم. متن زیر از
دیالوگ های او هنگام آموزش احکام به کودکان روستایی یادداشت شده است:
من وضو از تپش پنجره ها می گیرم
من نمازم را وقتی می خوانم که اذانش را
باد گفته باشد سر گلدسته سرو
در نمازم جریان دارد طیف جریان دارد
موج دشت سجاده من گاه گاهی
قفسی می سازم از رنگ می فروشم به شما...

استاد نیمایوشیج هم طبیعت را رها کرده بود تا حداقل در اردویی شرکت کند که
پر از درخت و داروگ و هزار جور جک و جانور نباشد.
تو را من گوش فرمانم
همان وقتی که می گویی بیا این جا
برو آن جا همان وقتی که
مردی می سپارد جان ای داروگ ها
که در بر که روستا نشسته اید
کی می رسد باران...
متأسفانه استاد کمی گرمزده شده اند. کاش که در همان مناطق شمالی کشور به
اردو می رفتند. کاش اصلا به این اردوی مجازی جهادی نمی آمدیم. آهای بچه ها
!سریع جمع کنید برگردیم.

۱. مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، دفتر دوم، تنمۀ
نصیحت رسول ۶.
۲. لسان الغیب حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان
حافظ، غزل شماره ۴۳۸.





خدیدجه عزیزخوانی

رسم هجرت ابعلی

گزارش

همه این اهداف در قالب کارگروه‌های مختلف آموزشی با موضوعات مختلف فرهنگی، آموزشی، پژوهشی کارگروه سنجش عمرانی، بهداشت و درمان، کشاورزی و دامپروری و کارگروه ویژه مدیران اردوها، با تدریس اساتید مجرب حوزه و دانشگاه و پیشکسوتان با تجربه جهادی، به ثمر می‌رسد.

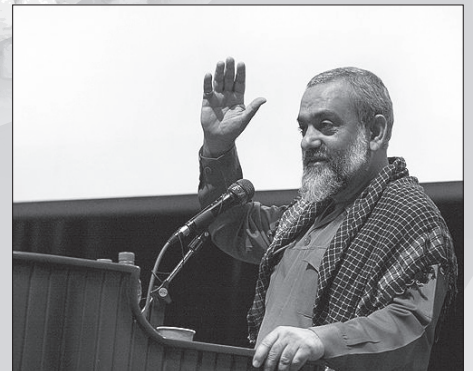
امسال هم چهارمین «رسم هجرت» با شعار (دانشجو، همت مضاعف، پیشرفت و عدالت) برگزار شد. مراسم افتتاحیه صبح روز چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت‌ماه، در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، با شرکت مسئولان اردوهای جهادی دانشجویی از سراسر کشور و حضور مسئولین رده بالای بسیج؛ سردار خراسانی رئیس سازمان بسیج سازندگی، حسین قدیانی مسئول سازمان بسیج دانشجویی و با سخنرانی گرم و صمیمانه سردار نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفان و با صحبت‌های متفکرانه و دوست داشتنی حجت‌الاسلام پناهیان همراه بود.

کارگاه‌های آموزشی و توجیهی بعدازظهر همان روز در اردوگاه سیدالشهدا ۷ در ابعلی تهران در دو روز برگزار شد. در همه کارگروه‌ها بسته به موضوع آن‌ها، از سوی اساتید چهار محور اصلی مورد آموزش و بررسی قرار گرفت، در کارگروه فرهنگی که مهم‌ترین کارگروه بوده و بار اصلی

تا حالا به این فکر کرده‌اید، قبل از این که گروه‌های جهادی بتوانند کارشان را در مناطق محروم شروع کنند، چه مرحله‌ای را باید سپری کنند؟ چه آموزش‌هایی را باید ببینند؟ چه کسانی برای این گروه‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند؟

اولویت برنامه‌ها را چه کسی تعیین می‌کند؟ مطالعه گزارش ذیل که سخن چند تن از جهادگران شرکت‌کننده است، ما را با مراحل آموزش و توجیه مسئولان جهادی آشنا می‌کند. «رسم هجرت» یک همایش کشوری است برای آموزش و توجیه مسئولان اردوهای جهادی کل کشور که در اردیبهشت ماه هر سال - قبل از اعزام نیروها به مناطق محروم - طی دو روز برگزار می‌شود.

«رسم هجرت» یعنی راه و رسم جهاد؛ آشنا کردن دانشجویان با اصول و مبانی جهاد، مشکلات و سختی‌های پیش‌روی جهادگر و روش‌های مدیریت آن‌ها، «رسم هجرت» یعنی سامان‌دهی توجیه و آموزش مسئولین جهادی مبتنی بر فعالیت‌هایی که در مناطق محروم انجام می‌دهند.



هیچ کس، هیچ فصلی را
به بهار ترجیح نمی‌دهد و
بهار فصل‌رهایی از خاک
است. بیایید همه فصل
ها بهاری بمانیم.

نقد هجرت

الف) کاملاً طبیعی است که برگزاری همایش بزرگی در این سطح ممکن است کاستی‌های نیز داشته باشد. امید است بیان این مطالب، مسئولان را در برگزاری بهتر «رسم هجرت» یاری نماید.

«رسم هجرت» یک همایش بزرگ کشوری است که در تهران برگزار گردید و به همین علت امکان حضور همه مسئولان جهادی استان‌ها وجود ندارد.

تعداد محدودی می‌توانند در این همایش شرکت کنند؛ برای هر گروه یک مسئول جهادی که چه بسا این مسئول نیز به دلیل دوری مسیر نتواند در همایش شرکت نماید و در صورت حضور نیز نخواهد توانست همه مباحث و اطلاعات مطرح شده را به خوبی فرا گیرد و به زیرگروه‌ها انتقال دهد. به همین منظور برخی معتقدند؛ بهتر است «رسم هجرت» به شکل استانی و یا منطقه‌ای، چند بار در سال برگزار شود تا علاوه بر حضور گسترده‌تر مسئولان و تعداد بیشتری از آنان آموزش ببینند، با اجرای این طرح رقابت بین استان‌ها بیشتر شده و تلاش برای خدمت‌رسانی، با کیفیت بیشتری خواهد بود.

بعضی کلاس‌های برگزار شده در «رسم هجرت» روند منطقی و از پیش تعیین شده‌ای را طی نکرده است. بعضی مباحث تکراری بوده و در بعضی کلاس‌ها اساتید حرف‌های یک‌دیگر را تکرار می‌کردند و متأسفانه در موارد محدودی نیز برخی اساتید نمی‌توانستند پاسخگوی دانشجویان باشند.

در «رسم هجرت» سال‌های قبل مسئولان رده بالای کشور حضور داشتند، اما امسال از حضور مسئولان رده بالای کشور کمتر خبری بود و مسئولان پیشکسوت جهادی هم حضورشان کم‌رنگ بود.

«رسم هجرت» امسال با ایام عزاداری حضرت زهرا ۳ همزمان بوده که برنامه خاصی برای برگزاری مراسم به مناسبت شهادت ایشان وجود نداشت.

محتوایی اردوهای جهادی را به دوش می‌کشد، هم همین چهار محور هدف آموزش قرار گرفت:

- ◀ محور اول: مبانی و محتوای فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی و تقسیم‌بندی نیروی انسانی در حوزه مربوط به موضوع هر کارگروه.
- ◀ محور دوم: پشتیبانی و هماهنگی با سازمان‌ها و نهادهای مربوطه، آشنایی با قوانین و مقررات مختص با موضوع هر کارگروه.
- ◀ محور سوم: مخاطب‌شناسی اهالی روستا و نحوه برخورد با آن‌ها.

◀ محور چهارم: طرح تداوم؛ گزارش‌نویسی و مستندسازی، روش ارائه پیام اردوی جهادی به عموم جامعه و نحوه تداوم ارتباط با روستاها و مناطق هدف.

علاوه بر کارگروه‌ها، به ابتکار مسئولان جهادی استان‌ها، شب‌ها بعد از نماز عشاء، مسئولان جهادی دور هم جمع می‌شدند و (حلقه‌های گفت‌وگو) را تشکیل می‌دادند. در این حلقه‌ها، مسئولان جهادی علاوه بر این که با هم آشنا می‌شدند، یک‌دیگر را در جریان فعالیت‌های جهادی خود قرار می‌دادند. دغدغه‌های خودشان را بیان می‌کردند، پیشکسوتان، تجربه‌های جهادی خود را در اختیار تازه‌کارها قرار می‌دادند. می‌شود ادعا کرد (حلقه‌های گفت‌وگو) ابتکار طلایی (رسم هجرت) به شمار می‌آید؛ تا آن‌جا که مسئولان رده‌بالای جهاد و بسیج هم در این حلقه‌ها حضور داشتند، در نتیجه دانشجویهای جهادگر بدون واسطه می‌توانستند دغدغه‌های خودشان را با مسئولان رده‌های بالاتر در میان بگذارند.

به دلیل این که حلقه‌ها حالت رسمی کلاس‌ها را نداشت و موضوع از پیش تعیین شده‌ای در آن بررسی نمی‌شد؛ بچه‌ها مسائل و سؤالات خود را راحت‌تر بیان می‌کردند و از دوستان جهادی خود مشورت می‌گرفتند. در این میان آن‌ها آدرس‌های الکترونیکی خود را در اختیار یک‌دیگر قرار دادند، تا بعد از «رسم هجرت» هم، با هم در ارتباط باشند.

اختتامیه «رسم هجرت» بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت در اردوگاه سیدالشهدا ۷ با حضور مسئولان بسیج سازندگی، بسیج دانشجویی، وزارت جهاد کشاورزی و مسئولان جهادی دانشگاه‌ها برگزار شد. سردار خراسانی مسئول بسیج سازندگی در این مراسم بیان کردند: «سازندگی امری است که باید در ابعاد مادی و معنوی صورت پذیرد و اردوهای جهادی احیاکننده حرکت‌های جهادی است که از دست آوردهای انقلاب اسلامی محسوب می‌شود». ایشان در ادامه تصریح کردند: «در حرکت‌های جهادی الگوسازی بسیار اهمیت دارد و در اردوهای جهادی باید کیفیت را در عملکرد بسیج بالا ببریم و این نوع حرکت‌ها زمانی ارزشمند است که با اخلاص همراه باشد».



ملتی که قدر
خویش را ندارند،
قربانی غدر دشمنان
خواهد شد.

شناسایی

زهرا امیری

مقدمه‌ای بر نیازسنجی

یکی از مراحل برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی یکپارچه و جامع‌نگر، شناخت صحیح وضع موجود و درک کامل محیط عمل در اردوهای جهادی، می‌تواند حرکت کارگروه‌ها را در خط سیر مشخص تضمین کرده و نتایج را از حالت مقطعی و روزمره خارج سازد. اهمیت این موضوع تا آن جاست که بزرگان دینی ما آن را از ملزومات کار برای مردم می‌دانند.^۱ برای تهیه این برنامه، یکی از مراحل ضروری، انجام دقیق و صحیح فعالیت نیازسنجی مرتبط با موضوع هر کارگروه است. منظور از نیازسنجی انجام تحقیق کاربردی، فراتر از گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها، شامل استفاده و بهره‌برداری از یافته‌ها نیز می‌شود.^۲ شناسایی نیازها با مفهوم نیازسنجی تفاوت دارد. هنگامی که از شناسایی نیازها سخن می‌گوییم، مقصود اصلی مشخص کردن و فهرست نمودن مجموعه‌ای از نیازها درباره یک فرد یا مجموعه‌ای از افراد است. در حالی که نیازسنجی مفهومی فراتر از شناسایی نیازها و دربرگیرنده مقوله «اولویت‌بندی نیازها» است. بدین ترتیب می‌توان گفت که شناسایی و اولویت‌بندی نیازها بیانگر فرایند نیازسنجی است.^۳ برای مثال وقتی جهت فعالیت‌های نیازسنجی وارد روستایی می‌شویم هدف اصلی تنها جمع‌آوری یک سری اطلاعات در مورد شرایط فرهنگی، آموزشی، عمرانی و... نیست بلکه این کار تنها جزئی از فعالیت نیازسنجی محسوب می‌شود. گروه پژوهش و برنامه‌ریزی (که یکی از وظایف‌شان نیازسنجی است) باید بعد از گردآوری و تحلیل اطلاعات، آنها را برحسب اهمیت و ضرورت اولویت‌بندی نموده و از اطلاعات به دست آمده برای برنامه‌ریزی استفاده نماید. این گروه می‌بایست با نیازسنجی منطقه، مطالعه اسناد فرادست و برنامه‌های مصوب، مطالعات اسنادی (کتابخانه‌ای) و تحلیلی که بر این داده‌ها انجام می‌دهد، برنامه‌های مختلفی را تهیه نماید (تصمیم‌سازی) و آنها جهت تصمیم‌گیری و اجرا به مسئولین اردو ارائه دهد.

ضرورت نیازسنجی

در پاسخ به این سوال که اهمیت و ضرورت فعالیت

مبانی نظری نیازسنجی

مفهوم شناسایی

یکی از مفاهیمی که در بحث نیازسنجی به کرات با آن روبرو می‌شویم مفهوم «نیاز» است. بابائی در کتاب نیازسنجی اطلاعات می‌گوید: نیاز فاصله و خلاء بین واقعیت موجود و شرایط مطلوب است.

مفهوم دیگری که باید در مورد آن سخن گوئیم واژه نیازسنجی است. نیازسنجی عبارت است از کاربرد فونوی که بتوان با کمک آنها اطلاعات مناسب را درباره نیازها گردآوری کرد و به الگوی نیازها و خواسته‌های فرد، گروه و جامعه دست یافت. بنا به عقیده «یورک» نیازسنجی عبارت است از سنجش این که به چه چیز و چه اندازه

گام

نیازسنجی چه می‌باشد باید خاطر نشان ساخت که فعالیت نیازسنجی موجب می‌شود که شکاف‌ها (فاصله ایده‌آل با وضع موجود)، کاستی‌ها و مشکلات مورد توجه واقع شده و برای کاهش یا رفع آنها برنامه‌ریزی صورت گیرد. برنامه‌هایی که بر پایه نتایج نیازسنجی ترسیم می‌شوند موجب بهبودی کارایی افراد جامعه مورد بررسی (و حتی اعضای شرکت‌کننده در اردو) می‌شود. هم‌چنین این برنامه‌ها موجبات تخصیص صحیح اعتبارات به کارگروه‌های مختلف اردوی جهادی شده و از اتلاف هزینه‌ها جلوگیری می‌کند. پس یکی از مهم‌ترین مقاصد که نیازسنجی در جهت دستیابی به آن اجرا می‌شود فراهم‌سازی اطلاعات برای برنامه‌ریزی است.

مبانی عملی نیازسنجی روش‌شناسی نیازسنجی

در زمینه چگونگی اجرای نیازسنجی، بحث‌های متعددی درباره روش‌شناسی نیازسنجی به عمل آمده که هر کدام در جایگاه و موقعیت ویژه خود می‌تواند موثر، مثبت و کاربردی باشد.

مراحل نیازسنجی

اول: برنامه‌ریزی برای نیازسنجی، دوم: جمع‌آوری اطلاعات و سوم: تعیین اهداف برنامه.^۵

اصول نیازسنجی

به طور کاملاً خلاصه عبارتند از: (اصل تداوم)^۶ استمرار فرآیند نیازسنجی؛ (اصل جامعیت) جامع و همه‌جانبه بودن فرآیند نیازسنجی؛ (اصل مشارکت)^۷ مشارکت فعال تمام گروه‌های ذی‌نفع در فرآیند نیازسنجی؛ (اصل عینیت) سلیقه‌ای و ذهنی نبودن داده‌های به دست آمده؛ (اصل افزایشی بودن) نیازهایی که در یک سطح معین، مشخص می‌گردند نه تنها در همان سطح بلکه در مورد سطوح پایین‌تر و محدودتر نیز مصداق دارد؛ (اصل سیالی بودن) با مسئله میزان ثبات و پایداری نتایج نیازسنجی مرتبط است؛ (اصل توجه نابرابر) در فرآیند نیازسنجی منابع جمع‌آوری اطلاعات تعددند اما ارزش یکسان ندارند؛ (اصل واقع‌گرایی) فراهم شدن

اطلاعات دقیق، عملی و سودمند برای برنامه‌ریزی؛ (اصل پویایی) کاربرد عملی و موثر در کلیه مراحل برنامه‌ریزی؛ و اصل تعهد در نیازسنجی: موفقیت نیازسنجی در برنامه‌ریزی بستگی تام به وجود تعهد و ایمان عمیق نسبت به اهمیت و ضرورت آن دارد.^۸

کلام آخر

زمان حاضر، هنگامه‌ای است که جهاد فرهنگی لازمه مقابله با جنگ نرم است. برای موفقیت در این جهاد، یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌ها، پژوهش و برنامه‌ریزی می‌باشد و همان‌طور که ذکر شد یکی از مراحل برنامه‌ریزی نیز، فعالیت نیازسنجی است که لازم است این عرصه را نیز به دقت مورد توجه قرار دهیم.

زمانی امام علی 7 در سال‌های آخر عمر مبارکشان، در شهر کوفه بر روی سنگی ایستاد و فرمود:
... أَيْنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ؟
؟ أَيْنَ عَمَّارٌ؟ وَ أَيْنَ ابْنُ التَّيْهَانِ؟ وَ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ؟
سپس با صدایی بلند فرمود: الْجِهَادُ! الْجِهَادُ! بندگان خدا! من امروز لشکر آماده می‌کنم. کسی که می‌خواهد به سوی خدا رود همراه ما خارج شود.^۹
هنوز نیز صدای علی 7 به گوش می‌رسد... اگر مرد میدان هستی بسم الله...

۱. قال امیرالمومنین 7: «فَفَرَّخَ لَوْلَا نَكَتُكَ مِنْ أَهْلِ التَّخْشِيَةِ وَ التَّوَاضُعِ فَلِیْرِفَعَ إِلَیْكَ أَمْرَهُمْ؛ امام علی 7 به مالک اشتر فرمودند: برای این گروه - محرومان و مستضعفان - از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتنند فردی را انتخاب کن تا پیرامون‌شان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش دهند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)
۲. رک: بابائی، محمود، نیازسنجی اطلاعات، تهران، انتشارات پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۶.
۳. همان.
۴. رک: فتحی و اجارگاه، کورش، نیازسنجی در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، تهران، نشر آبیژن، ۱۳۸۴.
۵. همان.
۶. «قال علی 7: قلیل یدوم خیر من کثیر ینقطع؛ امام علی 7 فرمودند: (کار) اندکی که ادامه دارد، بهتر از (کار) کثیری است که دوام نداشته باشد». (آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص ۴۸۱)
۷. «قال علی 7: وَ قَدْ زَعَبَ فِی مُشَارَكَتِكُمْ؛ امام علی 7 می‌فرماید: و به درستی که (خداوند) در مشارکت کردن شما رغبت دارد». (کلینی، ابوجعفر، اصول کافی، ج ۵، ص ۳۷۳)
۸. رک: فتحی و اجارگاه، کورش، نیازسنجی در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، تهران، نشر آبیژن، ۱۳۸۴.
۹. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

فراز و فرود

نوید خاکبازان



تیر

پنج شنبه

۲۵ رجب ۱۴۳۱

8 Jul . 2010

۱۳۸۹



۲۱ تیر، ۲۹ رجب، روز عفاف و حجاب

"این (پوشش و حجاب) برای شما زنان بهتر است تا به (عفت) شناخته شوید و (هرزگان) شما را آزار ندهند"^۶
زن به مانند غنچه ی گلی است که با داشتن گلبرگ های سبز، کسی به آن تعرضی ندارد ولی همینکه گلبرگ های سبز کناری روند و قرمزی گل خود نمایی کند کودکان، هوس چیدنش را در سر می پروراند.
در این باران نگاه های مسموم چتر حجاب را با خود بردار.

۲۴ تیر، ۳ شعبان: ولادت حضرت سیدالشهداء

کسی که گرفتاری و اندوه مؤمنی را برطرف کند و او را آسوده کند، خداوند گرفتاری و اندوه دنیا و آخرت را از او رفع می کند.^۷
از امام حسین ۷ پرسیدند: ادب چیست؟ فرمود:
این است که از خانه خود بیرون آیی و با هیچ کس برخورد نکنی مگر آن که او را برتر از خود ببینی.^۸

۲۵ تیر، ۴ شعبان: ولادت حضرت عباس ۷

در روزهای کودکی عباس، پدر گرانقدرش چون آینه معرفت، ایمان، دانایی و کمال در مقابل او قرار داشت و گفتار الهی و رفتار آسمانی اش بر وی تاثیر می نهاد. او از دانش و بینش علی ۷ بهره می برد. حضرت درباره تکامل و پویایی فرزندش فرمود:

ان ولدی العباس زق العلم زقا؛

همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر، که از مادرش آب و غذا می گیرد، از من معارف فرا گرفت.^۹

در آغازین روزهایی که الفاظ بر زبان وی جاری شد، امام ۷ به فرزندش فرمود:

بگو یک. عباس گفت: یک حضرت ادامه داد: بگو دو عباس خودداری کرد و گفت: شرم می کنم با زبانی که خدا را به یگانگی خوانده ام، دو بگویم.

۱۷ تیر، ۲۵ رجب:

شهادت امام شکیبایی حضرت موسی بن جعفر ۷

هر کس می خواهد قوی ترین مردم باشد، بر خدا تکیه کند. آیا می دانید که این راهنمایی امام کاظم ۷ می تواند ما را در تمام کارها موفق کند؟ چون وقتی ما دست به کاری می زنیم، اگر به خدای بزرگ - که تمام قدرت ها از طرف اوست - توجه و بر او توکل و تکیه کنیم، اراده قویتری پیدا می کنیم و با کمکی که از طرف خدا می گیریم، میتوانیم آن کار را بهتر و شایسته تر انجام دهیم.

۱۹ تیر، ۲۷ رجب: مبعث پیامبر اعظم ۶

لبخند بر لبها نشست دست گرم نوازش بر سر یتیمان کشیده شد. شمشیرهای خشونت زنگار گرفت و سفره محبت آغوش گشود. نوع دوستی بنیاد یافت و کینه تیزی جان باخت. از چشمه چشمها مهر جوشید و در دریای سینهها عشق خروشید. زندگی زیبا و بودن تماشایی شد.

حضرت پیامبر ۶ با تعلیم و آموزش اصل (گرامی ترین و عزیزترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شماست)^{۱۰}، از میان مردم آن روز، انسان هایی آزاده و پاک و بزرگ و قهرمان تربیت کرد و قومی پراکنده و کینه توز و بی ایمان را به مردان و زنانی فداکار و مؤمنانی باخلاص و مجاهد بدل ساخت.

۲۰ تیر، شب ۲۹ رجب:

حرکت امام حسین ۷ از مدینه به مکه

هر کس این پنج چیز را نداشته باشد، از زندگی خود چندان بهره ای نمی برد: عقل، دین، ادب، شرم و خوش خلقی.^{۱۱}
شایسته نیست که انسان مؤمنی گنهکاری را ببیند و او را نهی از منکر ننماید.^{۱۲}

به امام حسین ۷ عرض شد بیم تو از پروردگارت چرا فراوان است؟ فرمود:

در روز قیامت جز آن کس که در دنیا خوف خدا داشته، کسی ایمن نیست.^{۱۳}

گام

تیر

جمعه

۲۶ رجب ۱۴۳۱

9 Jul . 2010

۱۳۸۹



۲۶ تیر، ۵ شعبان: ولادت امام ساجدین

شب نیمه شعبان در خواب دیدم جبرئیل بر من نازل شد و فرمود: ای محمد ﷺ در چنین شبی خوابیده‌ای؟ گفتم: این شب چه شبی است؟ فرمود: شب نیمه شعبان است بر خیز، مرا بلند کرد و به بقیع برد، و سپس فرمود: سرت را بلند کن زیرا در این شبها درهای رحمت خدا در آسمان بر روی بندگان باز است، هم‌چنین درب رضوان، آمرزش، فضل، توبه، نعمت، جود و سخاوت، احسان باز است، خداوند به عدد پشم‌ها و موهای چرندگان در این شب گنهکاران را آزاد می‌کند، پایان عمرها در این شب، تعیین می‌گردد، رزق‌های یکسال در این شب تقسیم می‌شود و حوادث یکسال در این شب معین می‌گردد.^{۱۴}

یاد نعمت‌های خدا که می‌افتاد، سجده می‌کرد. بعد از نماز، سجده می‌کرد. دو نفر را که آشتی می‌داد، سجده می‌کرد. جای مهر روی پیشانی‌اش مانده بود. به خاطر همین به او می‌گفتند: سجاد غذا می‌خورد، جدای از مادرش. گفتند: تو که این قدر به مادرت احترام می‌گذاری و به او محبت می‌کنی، ما ندیدیم با او سر یک سفره بنشیند. گفت: می‌ترسم دست به لقمه‌ای بزخم که مادرم می‌خواهد بردارد. با صدای بلند قرآن می‌خواند. صدایش را که توی کوچه می‌شنیدند، پشت در می‌ایستادند، گوش می‌دادند. قرآن خواندنش که تمام می‌شد، در کوچه دیگر جایی برای راه رفتن نبود.

۱۶ مرداد: تشکیل جهاد دانشگاهی (۱۳۵۹ش)

مقام معظم رهبری: تا کنون، کارنامه‌ی درخشان جهاد دانشگاهی نیز بیانگر آن است که این نهاد، تجلیگاه تعهد و فرهنگ ناب در محیط‌های علمی بوده است و نام جهاد همواره با تبلور فرهنگ، معنویت و حفظ اصول و ارزش‌های متعالی، عجین بوده است. (گلبرگ، مرداد ۸۲، شماره ۱، ۴۱)

۱ مرداد، ۱۱ شعبان:

ولادت حضرت علی اکبر ۷ و روز جوان

پیامبر اکرم ۶:

هیچ چیز محبوب‌تر در نزد خداوند متعال از جوان توبه‌کننده نیست و هیچ چیز میغوض‌تر در نزد خداوند متعال از پیری که مشغول گناه است نمی‌باشد.^{۱۵}

حضرت محمد ۶:

خداوند را فرشته‌ای است که هر شب فرود آمده و ندا در می‌دهد، ای بیست ساله‌ها! کوشش کنید و تلاش بسیار بورزید.^{۱۶}

حضرت علی ۷:

دو نعمت است که ارزش آنها را نمی‌دانند مگر کسی که آنها را از دست داده باشد: جوانی و تندرستی.^{۱۷}

حضرت علی ۷:

باران مهدی ۴ جوانند و پیران در میانشان نیستند مگر همانند سرمه چشم و یا نمک در رفته‌شده، و کم‌ترین چیز در توشه نمک است.^{۱۸}

۵ مرداد، نیمه شعبان:

ولادت قطب عالم امکان حضرت بقیه‌الله العظم ۴

رسول اکرم ۶ فرمود:

۱. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۴۳.
۲. (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ) (سورة حجرات، آیه ۱۳)
۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰.
۴. همان.
۵. همان، ص ۱۲۸.
۶. (احزاب، ۵۹)
۷. همان، ص ۱۲۲.
۸. همان، ص ۱۲۰.
۹. مرقم، مقتل الحسين، بیروت، دارالکتاب، ص ۱۶۹؛ سیمای امام حسین ۷، ص ۱۸۲.
۱۰. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۸.
۱۱. محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۵۳.
۱۲. غرر الحکم، ج ۵۷۶۴.
۱۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.
۱۴. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، ص ۲۱۲.



مهارت احساس خوشبختی در قله محرومیت

بهترین دوست خداست، او آنقدر خوب است که اگر یک گل به او تقدیم کنیم دسته گلی تقدیمان می‌کند و خوب‌تر از آن است که اگر دست گلی به آب دهیم، دست گل‌هایش را پس بگیرد.

گام

نشریه اردوی جهادی
شماره ۶ / مرداد ۸۹

۶۰

مهارت‌های زندگی قرآنی

زندگی در اندیشه دینی، مزرعه آخرت و خاستگاه رسیدن به کمال اخروی است. گروهی به غلط، دین را «زندگی ستیز»^۲ و گروهی به اشتباه، «زندگی پرست»^۳ می‌دانند و ممکن است آنانی که از تفکر زندگی ستیزی جدا می‌شوند، به دامان زندگی پرستی در افتند. دین، نه زندگی ستیز است و نه زندگی پرست؛ بلکه دین، زندگی را بستر تکامل و مقدمه آخرت می‌داند.^۴ از این رو، زندگی موفق از آن کسی است که هنر زندگی کردن را داشته باشد. کسانی می‌توانند به تکامل بیندیشند که با زندگی خود مشکل نداشته باشند. میان «مشکل داشتن در زندگی» با «مشکل داشتن با زندگی» تفاوت وجود دارد. همه انسان‌ها در زندگی مشکل دارند اما انسان موفق کسی است که با زندگی‌اش مشکل نداشته باشد و این مهارت خاص خود را می‌طلبد. دین، آموزه‌های فراوانی در حوزه مهارت‌های زندگی دارد که در ذیل به یکی از این مهارت‌ها می‌پردازیم:

عوامل رضایت از زندگی

احساس کامیابی عامل اساسی در شادکامی و رضایتمندی است. شادکامی و خرسندی هنگامی پدید می‌آید که انسان تصور کند هر آن‌چه را می‌خواسته به دست آورده و هر آن‌چه را باید داشته باشد، دارد (کامیابی). در طرف مقابل، احساس ناکامی عامل اساسی در ناخرسندی و نارضایتی است. منشأ احساس ناکامی امور متعددی می‌تواند باشد که در این بحث به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف) محرومیت مالی:

گاهی انسان به خاطر نداری و محرومیت، دچار احساس ناکامی می‌گردد. وقتی انسان احساس کند که چیزی ندارد تا با آن زندگی کند، به احساس ناکامی دچار می‌شود. این قسم، (ناکامی مالی - دارایی) نامیده می‌شود.

ب) بی‌معنایی زندگی:

گاهی ناکامی به این دلیل است که زندگی معنایی ندارد. کسانی که معنایی برای زندگی

نمی‌یابند و نمی‌دانند که چرا باید زندگی کنند، دچار احساس ناکامی می‌شوند؛ هر چند ثروتمند و دارا باشند. این قسم را «ناکامی معنایی» می‌نامند.^۵

ج) برآورده نشدن انتظارات:

در پاره‌ای موارد، احساس ناکامی به دلیل برآورده نشدن انتظارات است. اگر انسان از زندگی دنیا انتظاراتی داشته باشد و این انتظارات برآورده نشوند، دچار احساس ناکامی می‌گردد. این قسم، «ناکامی انتظارات» نامیده می‌شود. چگونه می‌توان به احساس کامیابی دست یافت؟

د) داشته‌های زندگی:

واقعیت این است که زندگی انسان (به ویژه انسان مؤمن) تهی و خالی نیست. نعمت‌های فراوانی در زندگی انسان وجود دارد که می‌تواند احساس خوشبختی را به انسان دهد، ولی چون ناشناخته‌اند تأثیر خود را ندارند.^۶ «وجود نعمت» تأثیر چندانی در رضامندی ندارد، «درک نعمت موجود» عامل رضایت از زندگی است. اما سؤال این است که چگونه می‌توان نعمت‌ها و داشته‌ها را شناخت؟

یکی از راه‌های شناخت داشته‌های زندگی، استفاده از روش «مقایسه» است، که خواه ناخواه پیش می‌آید. انسان مایل است زندگی خود را ارزیابی کند و مقایسه، ابزار این ارزیابی است. در این مقایسه است که انسان موقعیت زندگی خود و کامیابی یا عدم آن را شناسایی می‌کند. ره‌آورد این مقایسه، یا شادمانی و رضایت از زندگی همراه با امید و پویایی است و یا ناخرسندی و نارضایتی از زندگی همراه با ناامیدی و ناتوانی. امام باقر^۷ می‌فرماید: هر کس به آن‌چه در دست دیگران است، چشم بدوزد، اندوه او طولانی گردد و خشم او آرام نگیرد.^۸

انواع مقایسه

الف) مقایسه کاهنده:

مقایسه کاهنده مقایسه‌ای است که سطح رضایتمندی را کاهش می‌دهد و این به وسیله مقایسه صعودی حاصل می‌شود. سؤال این است که مقایسه صعودی چه تأثیر

روانی دارد که به نارضایتی منجر می‌شود؟ کوچک‌شماری داشته‌های خود مقایسه وضع خود با وضع کسانی که در موقعیت برتری قرار دارند، سبب می‌شود که انسان آن‌چه را دارد، کوچک و ناچیز بشمارد. به همین جهت امام صادق^۷ می‌فرماید:

إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُوا أَعْرَافَكُمْ إِلَيَّ مَا فِي أَيْدِي أَوْلِيَاءِ الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرْفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حَزَنُهُ وَلَمْ يُشْفِ غَيْظُهُ وَاسْتَصْعَرَ نِعْمَةَ اللَّهِ عِنْدَهُ فَيَقِلُّ شُكْرَهُ لِلَّهِ؛

بپرهیزید از این که به آن‌چه در دست فرزندان دنیا است، چشم بدوزید، که هر کس به آن چشم بدوزد، حزن او طولانی گردد و خشم او آرام نمی‌گیرد و نعمت الهی را که نزد او است، کوچک می‌شمرد و در نتیجه سپاسگزاری او کاهش می‌یابد.^۸

نمونه قرآنی: نمونه این مقایسه را در جریان قارون می‌توان دید. قارون از ثروت فراوانی برخوردار بود که فقط کلید گنج‌های او را چند انسان نیرومند حمل می‌کردند.

مشاهده زندگی اشرافی و

خیره‌کننده او دیگران

را به مقایسه و

می‌داشت و آرزوی

زندگی قارونی را

در آنان به جوش

می‌آورد. قرآن کریم

در بیان این ماجرا

می‌فرماید:

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ؛

روزی قارون با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش همانند آن‌چه به قارون داده شده ما نیز داشتیم به راستی که او بهره عظیمی دارد.^۹

اما گروه دیگری بودند که واکنش متفاوتی از خود نشان دادند. قرآن کریم در ادامه می‌فرماید:

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُقْلِقُهُ إِلَّا الصَّبْرُونَ؛

آرزو
مثل سراب است؛
کسی را که به آن نگاه
کند، می‌فریبد و کسی را
که به آن امید بندد،
ناامید می‌سازد.





یادمان باشد که خدا هیچ وقت ما را از یاد نبرده است

همین جهت امام علی 7 می‌فرماید: و اکثر أن تنظر إلی من فضلت علیه فان ذلک من أبواب الشکر؛ و زیاد به کسانی که بر آنها برتری داده شده‌ای نگاه کن که این از دروازه‌های شکر است.^{۱۲}

امام علی 7 می‌فرماید:

آرزو مثل سراب است؛ کسی را که به آن نگاه کند، می‌فریبد و کسی را که به آن امید بندد، ناامید می‌سازد.^{۱۳}

۲. افزونی نعمت:

راه افزایش نعمت چیست؟ کتاب «قانون زندگی» راه افزایش نعمت را سپاسگزاری از نعمت‌های موجود می‌داند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

وَ إِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ رِزْقُكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛

اگر سپاسگزار باشید حتماً بر شما می‌افزایم و اگر ناسپاسی کنید، حقیقتاً عذاب من شدید است. بنابراین برای افزایش بهره‌مندی باید از مقایسه نزولی استفاده کرد.^{۱۴}

۳. افزایش آستانه بردباری:

در طرف مقابل مقایسه نزولی می‌تواند تحمل و بردباری انسان را افزایش دهد. رسول خدا ﷺ درباره این حقیقت می‌فرماید:

مَنْ نَظَرَ... فِي دُنْيَاهِ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَحَمْدُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْهِ، كَتَبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا صَابِرًا؛

کسی که... در دنیای خود به پایین تر از خود نگاه کند و خدا را به خاطر برتری‌هایی که به او داده ستایش کند، خداوند او را سپاسگزار و بردبار می‌نویسد.^{۱۵}

۴. قناعت کردن:

قناعت احساس ناخرسندی و ناراضی‌تری را از میان می‌برد، نه تلاش و فعالیت را. برای توسعه معقول و مشروع در زندگی، احساس «نیاز به بیشتر» لازم است ولی این منافاتی با قناعت ندارد. انسان می‌تواند قناعت داشته باشد تا احساس ناراضی‌تری نکند و می‌تواند احساس نیاز کند تا به تلاش معقول دست زند.^{۱۶} مهم این است که بدانیم تلاش برای توسعه زندگی الزاماً نباید همراه با احساس ناخرسندی و ناراضی‌تری باشد.

و آنان که دارای دانش بودند گفتند: وای بر شما ثواب الهی برای کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد بهتر است و جز صابران کسی به آن نمی‌رسد. (تا این که زمین دهان گشود و قارون را با تمام دارائی‌اش بلعید و خوهان زندگی دنیا به اشتباه خود رسیدند.^{۱۷}

ب) مقایسه افزاینده:

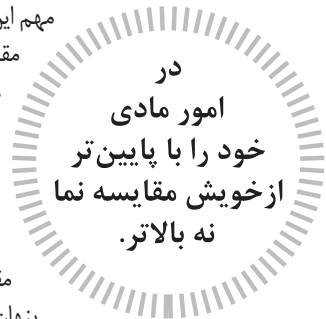
مقایسه افزاینده مقایسه‌ای است که موجب افزایش سطح رضایتمندی می‌شود و این به وسیله مقایسه نزولی حاصل می‌شود. سؤال مهم این است که کارکرد روانی مقایسه نزولی چیست و چگونه منجر به افزایش سطح رضایتمندی از زندگی می‌گردد؟ مقایسه نزولی نقاط مثبت و امیدوارکننده زندگی را که زیر سایه سیاه مقایسه صعودی از دیده‌ها پنهان شده است، هویدا می‌کند. مقایسه نزولی از قبیل آموزه‌های تلقینی و توهمی نیست، مقایسه نزولی این است که نقاط مثبت و امیدوارکننده زندگی را آشکار ساخته و در برابر دید فرد قرار می‌دهد. امام صادق 7 در این باره می‌فرماید: وَ أَنْظِرْ إِلَيَّ مَنْ هُوَ دُونَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَيَّ مِنْ هُوَ فَوْقَكَ؛

در امور مادی خود را با پایین‌تر از خویش مقایسه نما نه بالاتر.^{۱۱}

پی‌آمدهای مقایسه نزولی

۱. سپاسگزاری:

سپاسگزاری متوقف بر نعمت‌شناسی است و مقایسه نزولی چون نعمت‌ها را آشکار می‌سازد، موجب سپاسگزاری می‌گردد. به



۱. پیامبر اعظم 6: «اللُّدِيَا عَزْرَةٌ الْأَخْرَةُ». (محمدی ری‌شهری، محمد حکم النبی الأعظم، ص 304، ج 3)
۲. براساس این نظر، انسان در زندان دنیا گرفتار است و باید به هر نحو ممکن از آن بگریزد. قرآن نیز به وجود چنین نگرشی اشاره نموده‌است. «وَمَنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْأَخْرَةَ؛ بَرَخِي أَسْمَا أَخْرَتِ رَا مِي خَوَاهِد». (سوره آل عمران، آیه ۱۵۲)
۳. «إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتِنَا اللَّدِيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَعْنُوتِينَ؛ غَيْرَ أَزْ أَيْنَ زَنْدِغِي دُنْيَا جِزِي فِي دَر كَار نِيَسْتِ، يِوَسْتِه گروهي از ما مي‌ميرند و نسل ديگري جاي آنها را مي‌گيريد و ما هرگز برانگيخته نخواهيم شد». (سوره مؤمنون، آیه ۳۷)
۴. از این رو امام باقر 7 می‌فرماید: «لَيْسَ مَنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهِ لِأَخْرَتِهِ وَ أَخْرَتَهُ لِدُنْيَاهِ؛ كَسِي كَه دُنْيَايش رَا بَرَايِ أَخْرَتِش يَا أَخْرَتِش رَا بَرَايِ دُنْيَايش تَرَكَ كَنْد، أَزْ مَا نِيَسْتِ». (حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹)
۵. ارزش‌های انسانی در این تفکر نابود می‌شوند و زمانی که ارزش‌های انسانی نابود شود، فرهنگ نیز فقیر خواهد شد و فرهنگ که فقیر شود، زندگی انسان، تهی خواهد شد و این جاست که پوچ‌گرایی یا نپیلیسم بر زندگی انسان غالب می‌شود که مبنای مدرنیسم، پسمدرنیسم و سرمایه‌داری است. این تفکر دامان زندگی بشر امروز را گرفته است. ۶. در کنار نعمت‌هایی هم‌چون: میوه‌ها، سبزیجات، نوشیدنی‌ها، حیوانات دامی، لبنیات، فراورده‌های دریایی، پوشیدنی‌ها، جواهرات و مال و ثروت، بدن سالم و جوانی، زیبایی و تناسب اندام، بینایی چشم و شنوایی گوش و صدها نمونه دیگر، می‌توان به نعمت‌هایی از قبیل: عقل، عاطفه، فطرت توحید، حسن معنوی، خدانشناسی و مسلمانی، محبت به اهل‌بیت، توفیق انجام کارهای نیک، برخورداری از والدین، امنیت و آسایش، هدایت به حق، زیارت‌گاه‌های اولیای دین، ولایت و امامت، فرهنگ و علوم اتمه، منابع قرآنی و حدیثی، پشتوانه فرهنگی و غنای مکتبی، مواظب و پنجاهای گذشتگان، عبادت و بندگی در آستان پروردگار و... اشاره کرد. پیامبر خدا ﷺ در توجه دادن به این نعمت‌های معنوی فرموده است: «مَنْ لَمْ يَرِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ نِعْمَةُ الْأَفِي مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مِلْسٍ فَقَدْ قَصَرَ عَمَلَهُ وَ دَنَا عَذَابُهُ؛ كَسِي كَه أَزْ نَعْمَتِ‌هَایِ خُدا دَر بَرَاړه خُودِش جَز خُورْدَنِي وَ نُوْشِيْدَنِي وَ پُوْشِيْدَنِي رَا نِيَسْتِد وَ نَشْنَسَا، عَمَلِش كُوتَا و عَذَابِش نَزِيْكَ اسْت». (کلینی، ابوجعفر، اصول کافی، ج ۲)
۷. قَالَ الْبَاقِرُ 7: «مَنْ اتَّبَعَ نَصْرَهُ مَا فِي أُيْدِي النَّاسِ كَفُرٌ هُمُّهُ وَ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ». (کلینی، ابوجعفر، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۵)
۸. محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۳۷.
۹. سوره نساء، آیه ۲۲.
۱۰. سوره قصص، آیه ۸۰.
۱۱. مفید، محمد بن نعمان بغدادی، الأمالی، ص ۱۹۴.
۱۲. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص ۲۷۹.
۱۳. همان، ص ۱۲۶.
۱۴. سوره ابراهیم، آیه ۷.
۱۵. کراچکی، ابوالفتح، معدن الجواهر، ص ۲۶.
۱۶. حضرت علی 7 می‌فرماید: «لِقَنَاعَتِهِ أَهْلَاءُ عَشِيْرَتِهِ؛ قَنَاعَتِ، گُوارا تَرِيْن زَنْدِگَانِي اسْت». (آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ج ۱، ص ۲۲، ح ۹۷۶)



فانوس راه

شهید بابایی یاور درماندگان بود

عباس همیشه در فکر مردم بی بضاعت بود. در فصل تابستان به سراغ کشاورزان و باغبانان پیری که ناتوان بودند و وضع مالی خوبی نداشتند می رفت و آنان را در برداشت محصول شان یاری می کرد. زمستان ها وقتی برف می بارید پارویی برمی داشت و پشت بام های درماندگان و کسانی را که به هر دلیل توانایی انجام کار نداشتند، پارو می کرد.

به خاطر دارم مدتی قبل از شهادتش، در حال عبور از خیابان سعدی قزوین بودم که ناگهان عباس را دیدم. او معلولی را که از هر دو پا عاجز بود و توان حرکت نداشت، بر دوش گرفته بود و برای این که شناخته نشود، پارچه ای نازک بر سر

کشیده بود. من او را شناختم و با این گمان که خدای ناکرده برای بستگانش حادثه ای رخ داده است،

پیش رفتم. سلام کردم و با شگفتی پرسیدم:

- چه اتفاقی افتاده عباس؟ به کجا

می روی؟

او که با دیدن من غافلگیر شده

بود، اندکی ایستاد و گفت:

- پیرمرد را برای استحمام به گرمابه

می برم. او کسی را ندارد و مدتی است که

به حمام نرفته.

با دیدن این صحنه، تکانی خوردم و در

دل، روح بلند او را تحسین کردم.^۱



نماز اول وقت

سر تا پایش خاکی بود. چشم هایش از سوز سرما سرخ شده بود. دو ماه بود که ندیده بودمش.

گفتم: حداقل یه دوش بگیر، یه غذایی بخور، بعد نماز بخوان.

سر سجاده ایستاد. آستین هایش را پایین کشید و گفت: من با

عجله اومدم که نماز اول وقتم از دست نره!

کنارش ایستادم. حس کردم هر آن ممکن است بیفتد زمین.

شاید این جوری می تونستم نگاهش دارم.^۲

۱. پرواز تا بی نهایت، ص ۱۸۶.

۲. یادگاران، کتاب شهید همت، به نقل از همسر شهید همت.

هرگاه با دیگرانید
خود را خط بزیند
و هرگاه با خدایید
دیگران را.

گم

طرح نامه جذاب ترین کلاس دنیا

مرضیه قنبری

جذاب از لطف و رحمت خداوند و اولیا نسبت به مردم بیان گردد.

روز سوم: آشنایی با نعمتهایی که خدا به روستائیان عطا کرده است تا اهالی نسبت به نعمتهای پیرامونشان که از آن غفلت دارند، توجه یابند، این مباحث به ضرورت پرستش و شکرگذاری خداوند و این که نماز نمودی از این پرستش مرتبط گردد.

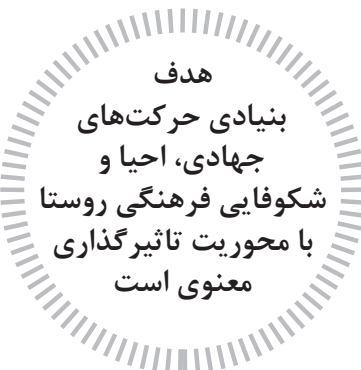
روز چهارم: بیان هدف خلقت انسانها (این که جهت هدایت و رسیدن به کمال، انبیای الهی فرستاده شدند)، در نتیجه بحث نبوت انبیای الهی تفاوت انبیا با افراد عادی (علم، عصمت، اعجاز...) بیان ویژگیهای انبیا، بیان داستانهایی از انبیا به هدف نشان دادن زحماتان در احیای اسلام (مثل داستان نوح، یونس، موسی، ایوب...).

روز پنجم: بحث اجمالی زندگی پیامبر ﷺ از کودکی، نبوت پیامبر اکرم ﷺ، وحی و برخی معجزات حضرت، معجزه بودن قرآن و عظمت آن، بیان سختیهای حضرت در راه احیای اسلام، اهمیت و آثار صلوات بر رسول اکرم ﷺ و خاندان پاکش.

روز ششم: خاتمیت نبوت و ضرورت وجود امامت بعد از ختم نبوت، امامت امام علی 7 با استناد به حدیث غدیر و منزلت (با بیان خیلی ساده)، با توجه به این که نفوذ اهل سنت در مناطق محروم جهت ترویج عقایدشان بسیار است، بحث امامت امام علی 7 به صورت تخصصی و با تأکید بیشتر بیان شود، بحث سقیفه و غصب حق خلافت حضرت علی 7 نحوه خلافت خلفای سه گانه به صورت کاملاً اجمالی بیان شود.

روز هفتم: معرفی حضرت زهرا 3 و امامان دوازدهگانه، مبحث حدیث ثقلین و سفینه نوح، محبت امامان و کرامات ایشان (با بیان داستانهای کوتاه در این زمینه)، بحث توسل و معرفیهای توسل و زیارت عاشورا (با بیان عاشورا).

صورت گیرد. سپس برنامههای پیش رو برای آنها بیان شود و از آنها دعوت به عمل آید. همچنین اوقات بیکاری (فراغت) اهالی از آنها پرسیده شود تا ساعت کلاسها طوری تنظیم



شود که امکان حضور اکثریت اهالی فراهم شود.

روز اول کلاس می تواند فرصت مناسبی برای ایجاد سوالاتی در ذهن مخاطب باشد که از کجا آمده ایم؟ برای چه آمده ایم؟ به کجا خواهیم رفت؟ [۱۳] و بیان گردد که انسان برای کمال انسانی آفریده شده است نه فقط لذات حیوانی.

روز دوم: برای دوستی با خدا باید او را بشناسیم از این رو بحث بهتر است برای نوجوانان بحث خداشناسی و خدایابی مطرح شود؛ یعنی اثبات وجود خدا با برهان نظم و برهان علیت به صورت حکایت های جالب و به زبان ساده (استفاده از توحید مفضل، مثالهایی از طبیعت اطرافشان)، بحث یگانگی خداوند و ضرورت یگانگی، لازم به ذکر است با توجه به رشد عقلانیت از پایان کودکی آغاز می شود شایسته است مربیان، برای مباحث اعتقادی کودکان از عوامل تقویت کننده محبت استفاده کنند برای مثال داستان های

هدف بنیادی حرکت های جهادی، احیا و شکوفایی فرهنگی روستا با محوریت تاثیر گذاری معنوی است و به توصیه پیامبر اعظم ﷺ علوم ساختاری برای شخصیت انسان در سه عرصه اعتقادات احکام و اخلاق است، [۱۲] در این بخش تلاش گردید، طرح کلی دروس با سیری مشخص ارائه گردد، تا با عنایت حضرت بقیه الله 4 جهادگران با زبان عامیانه در قالب داستان، شعر، مثال، بازی، مسابقه و در قالب های متنوع مباحث را ارائه کنند و در سه گروه سنی کودک، جوان و نوجوان، بزرگسال با توجه به مقتضیات هر سن، مطالب به شیوه خاص مطرح شود.



کلاس زنگ تفکر

روز اول: با توجه به این که قبل از آغاز کلاسها نیاز است که ارتباط صمیمانه و همدلی بین اهالی محترم و جهادگران به وجود آید، روز اول برای معارفه و آشنایی است. به این صورت که جهادگران به مناطق اعزام شوند و با رفتن به حضور تک تک اهالی، رابطه ای نزدیک و صمیمانه با آنها برقرار نمایند و در ضمن این رابطه، معارفه و آشنایی





فردا و نسل فردا در کلاس درس امروز بارور می شوند، کاروانی از رحمت فردا را بدرقه فردای خویش سازیم.

نعمت‌های بهشتی و بیان عذاب‌های جهنم، عذاب اخروی عده‌ای که در روایات اشاره شده، استفاده از آیات قرآن که علت یوم المسرة نامیدنش...

کلاس آداب و اخلاق

روز اول: روز معارفه و آشنایی و بحث احترام به بزرگ‌ترها خصوصاً والدین (مخاطب خودش را در جایگاه والدین قرار دهد و توقعات و انتظارات خود از فرزند را بیان نماید)، آثار بی‌احترامی به والدین، اثرات عاق والدین، اهمیت قرآن در احترام به والدین (ولا تفل لهما أف...) اطاعت از اوامرشان و سلام کردن به بزرگ‌ترها و بیان پاداش سلام نمودن، یکی از علت‌های شروع با این محبت، جلب همراهی والدین با شرکت فرزندان‌شان در کلاس‌هاست.

روز دوم: بحث صبر زیرا در برخی منطق محروم دیده می‌شود که زبان به شکایت می‌کشایند و در اثر سختی‌ها و ناملایمات در آنها روحیه دل‌مردگی و افسردگی ایجاد شده است، (استفاده از داستان حضرت ایوب 7، صبر حضرت زینب 3 در مصائب کربلا)، بیان پاداش صابرین با توجه به آیات قرآن کریم.

روز سوم: بحث بی‌ارزشی دنیا و بیان این نکته که دنیا برای آسایش نیست بلکه محل آزمون است.

روز چهارم: آشنایی مخاطب با زندگی انسانی و معنوی در مقابل زندگی

روز هشتم: بحث علت و فلسفه غیبت حضرت 4، انواع غیبت با بیان مثال. (مبحث انتظار فرج با احادیث در این زمینه) **روز نهم:** آموزش فرهنگ انتظار با بیان وظایف منتظران، معرفی دعای سلامتی امام زمان 4، بیان تعجیل حضرت در ظهور و بیان نشانه‌های عصر ظهور.

روز دهم: بحث امکان عمر طولانی امام عصر 4 با داستان‌هایی از (عزیر نبی، اصحاب کهف، حضرت ابراهیم)، آیاتی ناظر به خلقت نخستین و... و بحث ضرورت‌ها) که مبحث عدل خدا در این قسمت مطرح می‌شود.

روز یازدهم: یاد مرگ جهت تنبه افراد با ایجاد انگیزه برای کارهای نیک، بیان مرگ و چپستی آن، علت ترس از مرگ، بحث اجل معلق و اهمیت صدقه دادن در رفع بلا، بحث قبر و بیان اجمالی حوادث شب اول قبر.

بحث عالم برزخ و نیازمندی اموات به خیرات زندگان، اهمیت رفتن بر سر مزارها، ثواب هدیه کردن خیرات و ادعیه و قرآن برای اموات، بیان آثار اعمال که در آن دنیا نیز اثراتش برجاست (خواه اعمال نیک باشند یا اعمال بد).

مبحث قیامت، رخدادهای پیش از رستاخیز، عرصه محشر، حوادث قیامت، نامه عمل بررسی اجمالی بهشت و جهنم با بیان

مادی و حیوانی.

روز پنجم: آموزش بهداشت و بیان روایاتی در این زمینه. (نظافت بدن، نظافت منزل، طهارت، مسواک زدن، شانه کردن و...)

روز ششم: بیان اهمیت صلح رحم و فرهنگ‌سازی دید و بازدید، عیادت از بیماران، سر زدن به بزرگ‌ترها و والدین، احوالپرسی از همسایه، رفع نیاز همسایه‌ها. (حدیث در مورد اهمیت صلح رحم و همسایه‌ها)

روز هفتم: بیان ارزش علم‌آموزی (با احادیث)، قرآن را به عنوان کامل‌ترین کتاب باز کنیم و بحث تفکر در آیات بیان شود، ثواب خواندن قرآن و ادعیه، یاد دادن دعاهای مهم مثل دعای توسل، زیارت عاشورا. (حدیث مضمون دعاها بیان شود)

روز هشتم: بیان برخی بیماری‌های اخلاقی و راهکار درمان آن.

روز نهم: ارزش تلاش و کار با بیان داستان‌هایی از کار کردن ائمه: جهت تقویت اهالی به ویژه مردان به کار و اشتغال، ثواب کار کردن مرد که نوعی جهاد است، تعیین حیطه وظایف زنان و مردان در خانواده.

روز دهم: بحث غیبت، آثار عملی غیبت که باعث از بین رفتن روابط، سوءظن، تفکرات بد... بیان آیات و روایات در زمینه قبح این عمل، بحث حسن ظن مطرح نشود، ذکر گفتن موقع بیکاری.

روز یازدهم: بحث ناسزاگویی و تبعات آن در زندگی جایگزین کردن این رذیله اخلاقی با محبت و همدلی (با بیان داستان‌هایی از انبیاء و ائمه).

روز دوازدهم: بحث دروغ و این که کلید همه گناهان است، داستان‌های آموزنده در مورد رعایت بر دروغ نگفتن که موجب پرهیز از معاصی دیگر می‌شود.

کلاس کارگاه احکام

روز اول: روز معارفه و آشنایی، بحث تکلیف و نشانه‌های بلوغ، بیان فلسفه عبادات و احکام (به طور اجمالی)، و وظیفه مکلف در انجام واجبات و ترک محرمات، بحث حجاب،





کلاس‌ها را جذاب‌تر نماید:
۱. استفاده از جدول

(الف) مباحث مورد نیاز را قبل از برگزاری حلقه صمیمانه در جدولی تنظیم می‌نمایید.
 (ب) بین سوالات جدول از معماهای طنز، استفاده کنید.

(ج) جدول را در برگه یا تخته، می‌کشید.
 (د) مباحث علمی و مورد نیاز را به صورت راهنمایی، برای کشف پاسخ معماهای جدول، مطرح کنید.

۲. گنجاندن شعر و بازی

برای پیش‌گیری از خستگی مخاطب در خلال مباحث از هم‌خوانی، بازی، دست زدن به مناسبت‌های مختلف استفاده شود.

۳. استفاده از کارت

مفاهیم مورد نظر را روی مقوا بنویسید و برخی حروفش را نشان دهید، در غالب راهنمایی مخاطب برای کشف کلمه روی کارت، نکات مهم بحث و داستان‌های آن را ذکر کنید.

۴. استفاده از روش داستان‌گویی

(الف) داستان جذاب و پر محتوای را با ابهام فراوان آغاز کنید. [۱۴]
 (ب) پس از شروع جملاتی از داستان، از کودکان و نوجوانان، بخواهید نکات داستان را بنویسند یا حفظ کنند.

(ج) در پایان، هر کسی بیشترین نکات را استخراج کند مورد تشویق قرار خواهد گرفت.

(د) بیان احکام به صورت نمایشی تأثیر به‌سزایی در تثبیت مباحث دارد.

(هـ) از معماهای جالب برای جذابیت کلاس‌ها استفاده شود.

در ذیل برخی معماها و سوالات جذاب جهت استفاده در روش‌های فوق ذکر می‌گردد:

روز پنجم: نحوه وضو، به صورت عملی کار کردن آن، از تک‌تک خواستن که وضو بگیرند، بیان مبطلات وضو.

روز ششم: نحوه غسل، انواع غسل (ترتیبی و ارتماسی)، مواردی که باید غسل نمود. (مبطلات غسل)

روز هفتم: تیمم، تیمم بدل از غسل، وضو، موارد استفاده از تیمم - نکته قابل توجه این‌که آموزش حمد و سوره را در مواقعی که وقت اضافه آمد کار کنیم.

روز هشتم: اهمیت نماز (ستون دین، اولین چیزی که در قبر سؤال می‌شود...) علت نماز خواندن، معرفی نمازهای یومیه و تعداد رکعات هر نماز، اوقات نماز، آموزش حمد و سوره (به صورت تفریحی در خلال مباحث)، آثار ترک نماز و جزای او در آخرت، اثرات زیان‌بار ترک نماز در دنیا و آخرت (عامل فحشا و منکر)، اثرات نماز خواندن در دنیا و آخرت.

روز نهم: آموزش حمد و سوره و ذکرهای نماز. (به صورت تک‌خوانی، هم‌خوانی، تکرار کردن، استفاده از نوارهای قرائت سوره حمد)
روز دهم: خواندن نماز به صورت عملی، بیان مبطلات نماز، بحث نماز جماعت و ثواب آن به طور اجمالی.
روز یازدهم: تمرین نماز.

روز دوازدهم: مبحث روزه و مبطلات آن. (علت روزه گرفتن، فلسفه آن، کفاره قضای روزه در چه مواقعی است)

روز سیزدهم: مبحث خمس و زکات و موارد تعلق خمس و زکات.

ارتباط آموزشی جذاب با کودکان و نوجوانان

اجرای چند روش در کلاس‌ها می‌تواند

دوروز دنیا بهشت می‌شود، اگر یک روز پیاموزی و روز دیگر پیاموزانی.

بحث محرم و نامحرم حتی الامکان در هر روستایی برنامه جشن تکلیف نیز برگزار شود.
روز دوم: بحث تقلید و ضرورت آن در احکام، معرفی مراجع تقلید و برگزاری طرح نامه‌ای به مرجع تقلید سعی شود در صورت امکان رساله مراجع تقلید، خریداری و توزیع گردد و روش استفاده از آنها بیان شود؛ و اصطلاحاتی چون احوط، فتوا، احتیاط مستحب، احتیاط واجب بیان گردد.

روز سوم: آشنایی با احکام پنج‌گانه: بیان مفهوم حرام با ذکر بعضی مصادیقش (دروغ، غیبت، شراب، دزدی و...) واجب با ذکر بعضی مصادیقش (نماز، روزه، خمس، زکات، احترام به والدین و...) مستحبات مثل قرآن خواندن، صلوات، ادعیه، رفتن به مسجد و... (مفهوم مکروه، مباح؛ بیان داستان‌هایی در مذمت محرمات و در تشویق به انجام مستحبات، و ثمرات آن).

روز چهارم: طهارت و نجاست، انواع آب‌ها و نحوه طهارت با انواع آب‌ها. (در ظرف، لباس، نجاست با بول)





چند معما:

۱. کدام نجسی است که به وسیله زبان پاک می‌شود؟ [۱۵]
۲. چه خونی است که پاک است؟ [۱۶]
۳. کدام یک از پاک‌کننده‌هاست که حرف اول آن را برداریم نام یک وسیله جنگی می‌شود؟ [۱۷]
۴. کدام یک از مطهرات است که نقطه ندارد؟ [۱۸]
۵. از پاک‌کننده‌هاست که اگر حرف اول آن را برداریم نشانه داب و پایان نماز می‌شود؟ [۱۹]
۶. آن چیست که بین نماز می‌گیریم؟ [۲۰]
۷. آن چیست که قبل از نماز می‌گیریم؟ [۲۱]
۸. آن چیست که در دستشویی حرام و در وضو مستحب و در نماز واجب است؟ [۲۲]
۹. چه نماز واجبی است که وضو نمی‌خواهد؟ [۲۳]
۱۰. مسجدی ساختم بلندپایه، هشت در آفتاب و نه در سایه. [۲۴]
۱۱. تنها نمازی که باید بی سوره خوانده شود، کدام نماز است؟ [۲۵]
۱۲. تنها نمازی که بر پسران واجب است کدام است؟ [۲۶]
۱۳. آن چیست که چشم دارد، ولی نمی‌بیند، گوش دارد ولی نمی‌شنود، دهان دارد ولی نمی‌خورد و اگر به او دست بزیم نمی‌توانیم بدون غسل نماز بخوانیم؟ [۲۷]
۱۴. در کجا به هر طرف که بایستیم نماز صحیح است؟ [۲۸]
۱۵. کدام شکستی است که کم می‌شود ولی نمی‌ریزد؟ [۲۹]
۱۶. در کجا مأمومین روبروی امام جماعت می‌ایستند؟ [۳۰]
۱۷. کدام نماز مستحبی است که باید به جماعت خوانده شود؟ [۳۱]
۱۸. کدام (یک است که برابر صد و پنجاه) است؟ [۳۲]
۱۹. کدام (دو است که برابر ششصد) است. [۳۳]
۲۰. کدام اشاره روزه را باطل می‌کند؟ [۳۴]
۲۱. کدام روزه‌خواری است که روزه‌اش باطل نمی‌شود؟ [۳۵]
۲۲. کدام باطل‌کننده روزه است که نوعی ورزش است؟ [۳۶]
۲۳. روز چیست؟ [۳۷]
۲۴. یکی از سرگرمی‌های حرام است که اگر حرف اول آن را برداریم نام حیوانی خطرناک می‌شود؟ [۳۸]
۲۵. آن چیست که گذاشتن و برداشتن آن حرام است؟ [۳۹]
۲۶. کدام حیوان چهارپای حلال گوشتی است که بدون سر بریدن می‌توان آن را خورد؟ [۴۰]
۲۷. آن چیست که هم ما می‌خوریم و هم خدا؟ [۴۱]
۲۸. کدام یک از فروغ دین است که اگر حرف اول آن را برداریم اسم یکی از فلزات می‌شود؟ [۴۲]
۲۹. آن چیست که خوردن آن جنگ با خداست؟ [۴۳]
۳۰. کدام کار عبادی است که بهتر است پشت به قبله انجام شود؟ [۴۴]
۳۱. کدام مسئولیتی است که تا یک سال، هفته‌ای یک بار باید انجام گیرد؟ [۴۵]
۳۲. آن چیست که نماز دارد ولی روزه ندارد، خمس دارد ولی زکات ندارد، امر به معروف دارد ولی حج ندارد؟ [۴۶]
۳۳. جریمه گناهان در احکام شرعی چه نام دارد؟ [۴۷]

جواب معماها

- [۱] رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۵، ص ۲۶، ۱۳۶۹/۴/۲۰
- [۲] رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه میر کبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹
- [۳] جهادی
- [۴] روستایی در جنوب استان کرمان
- [۵] امولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، دفتر دوم، تمهی‌نصیحت رسول
- [۶] لسان الغیب حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان حافظ، غزل شماره ۴۳۸
- [۷] کارشناس پاسخگو: اسماعیل احمدی
- [۸] کارشناس پاسخگو: علیرضا ایران دوست
- [۹] قال علی ۷: «فَضْلُ فِكْرٍ وَ تَقَهُمُ أَنْجَحُ مِنْ فَضْلِ تَكْرَارٍ وَ دِرَاسَةٌ، زبَدی فکر و فهمیدن سودمندترست از زبَدی تکرار کردن و خواندن.»
- (آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۶)
- [۱۰] محققین مرکز پژوهش
- [۱۱] - امیرالمومنین، علی علیه السلام، به مالک اشتر می‌نویسد: «... فَفَرَّغَ لِأَوْلَادِكَ تَقَاتُكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَضُّعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أَمْرَهُمْ...» برای این گروه -محرومان و مستضعفان- از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتنند فردی را انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش دهند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).
- [۱۲] . قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ أَيْهَ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنْ فَهِيَ فَضْلٌ؛ پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: در حقیقت علم سه دسته است: آیه محکمه (علم عقاید)، فریضه عادلانه (علم اخلاق) و یا سنت قائمه (علم احکام) و غیر از این سه علم بقیه علوم فضل و زیاده‌اند» (کلینی، ابو جعفر، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳).
- [۱۳] . «رَحِمَهُ اللهُ إِمْرَأٌ... عَلِمَ مِنَ الْإِنِّ وَ فِي الْإِنِّ وَ الْإِنِّ أَنْ». (مفتاح السعادة فی شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۲۸).
- [۱۴] . کتاب داستان و راستان، شهید مطهری، منبع مناسبی است.
- [۱۵] - کافر.
- [۱۶] - خون حیوانی که خون جهنده ندارد.
- [۱۷] - زمین.
- [۱۸] - اسلام.
- [۱۹] - جواب سلام.
- [۲۰] - قنوت.
- [۲۱] - وضو.
- [۲۲] - قبله.
- [۲۳] - نماز میت.
- [۲۴] - نمازهای یومیه.
- [۲۵] - نماز احتیاط.
- [۲۶] - نماز قضای پدر و مادر.
- [۲۷] - میت.
- [۲۸] - خانه خدا.
- [۲۹] - نماز مسافر.
- [۳۰] - مسجد الحرام.
- [۳۱] - نماز استسقاء (طلب باران) که همچون نماز عید فطر خوانده میشود.
- [۳۲] - نماز جماعتی که یک نفر به امام جماعت اقتدا کرده باشد؛ توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۳۹۹.
- [۳۳] - نماز جم، اعی که دو نفر به امام جماعت اقتدا کرده باشند؛ توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۳۹۹.
- [۳۴] - نوشتن نسبت دروغ به خدا و پیغمبر و امامان.
- [۳۵] - خوردن از روی فراموشی و اجبار.
- [۳۶] - شناه، در صورتی که سر به زیر آب برود.
- [۳۷] - نقطه (منظور روی حرف ز است).
- [۳۸] - قمار.
- [۳۹] - کلاه گذاری و کلاه برداری.
- [۴۰] - بره تو دلی که با ذبح مادرش، ذبح آن هم حساب می‌شود.
- [۴۱] - قسم.
- [۴۲] - خمس.
- [۴۳] - ربا.
- [۴۴] - زیارت معصومان.
- [۴۵] - شخصی که مالی را پیدا کرده و ارزش آن به اندازه ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار است.
- [۴۶] - حرف «میم».
- [۴۷] - کفار.



آمدنت انتظار قرن‌هاست، آرزوی همه انسان‌های آزاده، این که بیایی و دستی باشی به مهربانی علی 7 برای نیازمندان، این که شانهای باشی برای گریه‌های بی‌کسی، این که پای درد دل‌ها بنشینی این که...

می‌آیی برای آسمانی شدن من، عدالت را بر پا کنی و خنجرت جز برای ساختن از نیام بیرون نخواهد آمد. می‌آیی که آباد کنی از خرابات دل و دین تا روستاها و شهرها تا همین جا.

می‌آیی... نه، اصلاً آمده‌ای همین جا که من ایستاده‌ام، ما ایستاده‌ایم، روی خاکی که قرار است مدرسه بشود، مسجد بشود با دست‌های کسانی که آرزو دارند دستی بر سرشان بکشی. حتماً نگاه تو بوده و حتماً تو خواسته‌ای این سفر را تا که بیایم این جا، احساس می‌کنم بازوان تو هستم احساس می‌کنم مرا کشانده‌ای تا دست این بچه‌های معصوم را در دست تو بگذارم، احساس می‌کنم...

می‌شود بویت را حس کرد همین جا در سادگی و معصومیت لحن بچه‌هایی که دارند آرام آرام همراه مربی زمزمه می‌کنند:
اللهم... کن... لولیک... الحجة ابن الحسن...

می‌روم اشک شوم توی چشم‌های دختری که اسمش فاطمه بود و دستم را توی دست‌هایش گرفته بود تا از تو بگویم برایش. خودت بگو چه بگویم منی که هیچ نمی‌دانم خودت بگو، سؤال پشت سؤال و من که کم می‌آورم در مقابل این همه اشتیاق. پس هنوز هستند آدم‌های مشتاق شنیدن که ندیده‌شان گرفته‌ایم. هستند دست‌های مشتاقی که ما را می‌خوانند و ما غافل بوده‌ایم. از کجای این دریای بی‌کرانه بگویم که شروعش تویی. پایانش هم. نماز امام زمان را یادش می‌دهم. ایاک

نعبد و ایاک نستعین ایاک نعبد و... تنها تورا می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌جویم. تنها تو را... تنها تو... تنها...

پُرم از شوق انگار هیچ وقت طعم نماز را این طور نچشیده بودم. انگار برای اولین بار دارم نماز می‌خوانم. انگار این مسجد با دیوارهای کاهگلی با خشت‌های خیس، با حیات خاکی همان چمکران است. انگار این جایی، نزدیک‌تر از همیشه. لابه‌لای بچه‌هایی که اسمت را صدا می‌کنند یا اباصالح مددی مولا... عطر نرگس پیچیده در فضا. سلام... سلام... سلام... السلام علیک یا مولای صاحب الزمان 4.

آن طرف چند تا جوان با چهره‌هایی غرق خاک و عرق، چفیه بسته می‌آیند. صدا بلندتر شده، باران شدیدتر. دارم پیدا می‌کنم خودم را توی چشم‌های دختری که اسمش فاطمه بود، نرگس بود... هر چه بود... بود خود من بود که داشت تو را می‌شناخت. از اول داشت می‌خواند سوره یاسین را و تازه داشت یاد می‌گرفت که امام چندم هستی و چند سال از نیامدنت گذشته و این که چقدر تنهایی و این که چقدر مشتاق آمدنی و اگر ما بیدار شویم حتماً می‌آیی، حتماً.

خسته نیستم یک هفته گذشته، این دومین جمعه‌ای است که دارم این جا نمازت را می‌خوانم با لهجه همین بچه‌های روستایی. گم بودم و پیدا شدم انگار در این جا...

می‌خواهم برگردم از سفری که همه جایش بوی توست، یاد توست، ردپای توست از روستایی که بعید نیست زود زود به آن سر بزنی و مردمش تو را دیده و نشناخته باشند.

کاش این جمعه بیایی

انتظار نداشته باشید کسی که منتظرش نیستیم بیاید، موعود منتظر، انتظار چشم‌هایی را می‌کشد که جز نگاه و آه چیزی ندارد.

احکام جهادی

نماز و روزه

در اردوی جهادی محل استقرار شبانه ی جهادگران با محل فعالیت های روزانه آنان که معمولا روستاهای اطراف است کمتر از ۲۲٫۵ کیلومتر فاصله دارد حکم نماز و روزه آنان چگونه است؟ امام خمینی: اگر در مدت ده روز تنها یک مرتبه و به اندازه دو ساعت از خوابگاه به دانشگاه بروند نماز تمام و روزه صحیح است و در غیر این صورت شکسته است روزه صحیح نیست.^۱ مقام معظم رهبری: اگر در مدت ده روز به اندازه یک تا دو ساعت در روز یا چند روز که مجموع آن به مقدار یک سوم روز یا یک سوم شب باشد از خوابگاه به دانشگاه بروند نماز تمام و روزه صحیح است و در غیر این صورت نماز شکسته است و روزه صحیح نیست.^۲ آیت الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب باید نماز را بین شکسته و تمام جمع کنند و اگر روزه بگیرند صحیح است و قضا ندارد.^۳

آیات اعظام بهجت، سیستانی، فاضل، صافی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی: در فرض یاد شده نماز تمام و روزه صحیح است.^۴ در اردوهای جهادی دانشجویان با همدیگر صمیمانه دوست می شوند و به راحتی از اموال هم استفاده می کنند چه حکمی دارد؟ همه مراجع: اگر اطمینان به رضایت دارد اشکال ندارد و اگر بدون رضایت او این کار را انجام دهد گناه کرده است.^۵

نماز با تیمم

در برخی اردوها آب کافی یا مناسب غسل پیدا نمی شود و جهادگران مجبور به تیمم هستند پس از برطرف شدن عذر، آیا نمازهایی را که با تیمم خوانده ایم باید دوباره قضا کنیم؟ همه مراجع: خیر، قضا لازم نیست.^۶

موسیقی حرام

در عروسی های محلی برخی مناطق محروم، موسیقی مطرب می نوازند و گاهی از دانشجویان هم دعوت می کنند، اگر استماع موسیقی محلی مطرب هیچ گونه تأثیری در یک شخص نداشته باشد، آیا حرام است؟ همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام (رقص آور) باشد، گوش دادن به آن جایز نیست، هر چند در شخص خاصی تأثیری نداشته باشد.^۷

قمار

یکی از سرگرمی های برخی مناطق، بازی با آلات قمار به صورت تک نفره یا رایانه است، چه حکمی دارد؟ همه مراجع به جز بهجت و سیستانی: بازی با آلات قمار جایز نیست، خواه طرف مقابل شخص باشد یا رایانه. بهجت و سیستانی: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^۸

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۱۳۸.

۲. مقام معظم رهبری، اجوبه الاستفتائات، س ۶۵۹.

۳. دفتر تبریزی.

۴. دفتر نوری، سیستانی، مکارم، بهجت، صافی، فاضل، وحید.

۵. امام، سیستانی، فاضل؛ توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۶۶؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۵۹؛ دفتر همه مراجع؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۵۹؛ دفتر همه مراجع.

۶. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۷۲۷؛ نوری، توضیح المسائل، مسئله ۷۲۸؛ وحید، توضیح المسائل، مسئله ۷۳۴؛ خامنای.

۷. امام، استفتائات، ج ۳، سوالات متفرقه، س ۱۱۰ / مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۶۹۲ صافی، جامع المکارم، ج ۱، س ۱۰۰۳ و ۱۹۷ / خامنای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۳۱ و ۱۱۳۵ و ۱۱۵۵؛ تبریزی استفتائات س ۱۰۹۳ / فاضل جامع المسائل ج ۱

س ۹۹۶ / دفتر: بهجت، وحید، نوری.

۸. فاضل، احکام قمار، س ۵۰ / خامنای، اجوبه الاستفتائات، ج ۵، س ۱۱۵۴ / صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۴۳ / تبریزی، صراط النجاه، ج ۵، س ۱۱۵۴ / سیستانی، قمار، س ۱ / دفتر: بهجت.



۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

												۱
												۲
												۳
												۴
												۵
												۶
												۷
												۸
												۹
												۱۰
												۱۱
												۱۲

افقی

- ۱- ریشه جهاد - مراد از آیه محکمه در حدیث نبوی
- ۲- جد بزرگ پیامبر (ص) - نام کامل ششمین سوره قرآن به معنای چهار پایان
- ۳- نشانه ای از نشانه های خدا در گیاهان و کوه ها - بدون حرف اولش به معنای «نرمی» است
- ۴- جوانترین نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی هم نام سلسله ای از حکام ایرانی - من یطع الرسول فقد ... الله
- ۵- هم به معنای خاکریز است و هم به معنای گورخر- پایه - نام علامت @
- ۶- فلزی برای ساخت ظروف قدیمی - مهم ترین موفقیت مدیر هر مجموعه - غذای سربازی
- ۷- جهاد نیمه کاره - جمع شوق - نشستش به معنای تحصن کردن است
- ۸- حرف تعریف - شهر حضرت عبدالعظیم حسنی - قهرمان اخلاق و مردم دوستی در ایران
- ۹- وکالت دهنده - واژگونه معنای جود
- ۱۰- اگر غلط املائی نمی داشت یکی از ضروری ترین مواد لازم بدن بود- اسم کامل اولین سوره از آخرین جزء قرآن
- ۱۱- نقص در این مرحله باعث سرگردانی مسئولین اردو ها خواهد بود- نندی درهم
- ۱۲- مسئولیت دادن به جوانان باعث تقویت چنین روحیه ای در آنان می شود- هم هستی آن را دارد هم بهشتی

عمودی

- ۱- شأن آنان در قرآن از شأن همه مسلمانان برتر شمرده شده است- خوش بود و در هم ریخت
- ۲- بزرگترین پایگاه جنگ فرهنگی علیه اسلام و مهدویت - این جزیره در زمان جنگ شهرت یافت
- ۳- جزء اجتناب ناپذیر هر اردوی جهادی - نامی برای یاران خاص امام زمان (عج) در دوران غیبت کبری
- ۴- آن را نزد جهادی های بخش عمران بجویید- رسول الله (ص) فرمودند: ... حبیب الله
- ۵- خیلی از خانه های روستایی دارند- وجه مشترک واشنگتن با شیراز و کاشان- املائی به هم ریخته
- ۶- عار بی پایان - برای پر کردن خانه های خالی جدول از آن استفاده می کنند-جدید انگلیسی
- ۷- شیطان انواع مختلفش را دارد-سرودن - سیر بی سر
- ۸- اردوگاهی در لبنان که توسط اسرائیلی ها بمباران شد- آن را در اخلاق بجویید- حرف تردید
- ۹- یکی از مهمترین ویژگی های یک مدیر موفق - تلاوت کننده
- ۱۰- دعاها- معنای مشهورترین لقب نهمین امام معصوم(ع)
- ۱۱- امعای متلاشی-خبرگیری کردی در عربی
- ۱۲- ... و کلمه رنک صدقا و عدلا- تهیه اقلام مورد نیاز اردوها بر عهده مسئول این بخش اردوی جهادی است

